

فهرست
 نسخه‌های خطی فارسی
 موجود در کتابخانه مؤسسه شرق‌شناسی
 جمهوری چک، پراگ



منت پذیرا عرضم که طاعتش موجب قربت است
 و بکراهت درین غرض نیست بر نفسی که فرمود و مدعیانست
 و چون بر می آید مخرج داشت پس در هر نفسی دو نعمت
 موجود است و بجز نفعی شکری واجب فرمود است
 زبانیکه باید که زبانش بکوشد و بر آید و بگوید تعالی اعمیال
 و انوارش که او قلیل من چاد می‌باش که فرمود بنیان جهان

دکتر مهدی شکوه‌آزنی



ISBN 964-8179-27-1



9 789648 179279



دکتر مهدی مشکوة الدینی

جمهوری اسلامی ایران خطی ماریتی موجود در کتابخانه
مؤسسه شرق شناسی جمهوری چک، پراگ

فهرست

نسخه‌های خطی فارسی

موجود در کتابخانه مؤسسه شرق‌شناسی

جمهوری چک، پراگ

دکتر مهدی اسکوه‌آدی

فرهنگستان علوم جمهوری چک. مؤسسه شرق شناسی. کتابخانه.

Orientalni Ustar (Akademie ved Ceske republiky). Bibiootcka

فهرست نسخه های خطی فارسی موجود در کتابخانه مؤسسه شرق شناسی جمهوری چک، پراگ/ مهدی مشکوة الدینی. - قم: کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، گنجینه جهانی مخطوطات اسلامی، ۱۴۲۵ق. = ۲۰۰۴م. = ۱۳۸۳ش.
۱۹۲ ص.

ISBN 964-8179-27-1

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. نسخه های خطی فارسی -- چک (جمهوری) -- پراگ -- فهرستها. ۲. فرهنگستان علوم جمهوری چک. مؤسسه شرق شناسی. کتابخانه -- فهرستها.
الف. مشکوة الدینی، مهدی، ۱۳۲۰ش - ، گرد آورنده. ب. کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره). گنجینه جهانی مخطوطات اسلامی. ج. عنوان

۰۱۱/۳۱

۸۳-۲۶۵۱۱م

Z6621/ف۵۴۹۹

کتابخانه ملی ایران



فهرست نسخه های خطی فارسی

موجود در کتابخانه مؤسسه شرق شناسی جمهوری چک - پراگ

مؤلف: دکتر مهدی مشکوة الدینی

ناشر: کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)

- گنجینه جهانی مخطوطات اسلامی - قم - ایران -

نوبت چاپ: اول؛ ۱۳۸۳ش/۱۴۲۵ق/۲۰۰۴م

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ: ستاره - قم

لیتوگرافی: تیزهوش

حروفچینی و صفحه آرایی: فرانشر

ISBN: 964-8179-27-1

شابک: ۹۶۴-۸۱۷۹-۲۷-۱

AYATOLLAH MAR'ASHI NAJAFI ST., Qom 37157, I.R. IRAN

TEL: + 98 251 7741970-78; FAX +98 251 7743637

[http:// www.marashilibrary.com](http://www.marashilibrary.com)

[http:// www.marashilibrary.net](http://www.marashilibrary.net)

[http:// www.marashilibrary.org](http://www.marashilibrary.org)

E_mail: info@marashilibrary.org



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیشگفتار

من، نگارنده، در سالهای تحصیلی ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۲ به مدت دو سال از جانب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری جمهوری اسلامی ایران، به عنوان استاد مأمور و مهمان در دانشگاه چارلز پراگ به تدریس زبان فارسی اشتغال داشتم. در نخستین سال حضور در پراگ به عنوان بخشی از تلاشهای علمی خود در زمینه‌ی فرهنگ زبان فارسی، برای بررسی نسخه‌های خطی فارسی موجود در کتابخانه‌ی مؤسسه‌ی شرق‌شناسی پراگ به جستجو پرداختم. در کتابخانه‌ی یادشده، نسخه‌های خطی فارسی در میان نسخه‌های خطی زبانهای عربی، ترکی، عبری و یونانی قرار دارد و به همین سبب، من مجبور شدم از میان همه‌ی آنها نسخه‌های خطی فارسی را بیابم. خوشبختانه، در طول نخستین سال اقامت در پراگ این کار را به انجام رساندم و نسخه‌های خطی فارسی را که تنها چهل و سه نسخه بود، یافتم. سپس به بررسی و تدوین مشخصات آنها پرداختم. در فهرست مشخصات نسخه‌های خطی تدوین شده در کتابخانه‌ی مؤسسه‌ی شرق‌شناسی پراگ، برخی نسخه‌های فارسی به عنوان نسخه‌ی خطی عربی و یا ترکی تعیین و ثبت شده بود؛ من این‌گونه اشتباهات را در فهرست یاد شده تصحیح کردم و در مشخصات درج شده در فهرست حاضر نیز آنها را نشان دادم.

در فهرست حاضر، مشخصات نویسنده یا شاعر، عنوان، موضوع، تاریخ کتابت، اندازه‌ی صفحات، چگونگی وضعیت موجود و نیز سطرهایی از آغاز و پایان کتاب را

مشخص و ارائه کردم و به علاوه، به این منظور که چگونگی نسخه‌ی خطی برای خواننده ملموس باشد، تصویرهای صفحه‌ی اول و صفحه‌ی آخر کتاب را نیز به فهرست افزودم. در مورد برخی نسخه‌ها، برخی مشخصات از جمله نام نویسنده یا شاعر، عنوان کتاب و یا تاریخ کتابت نامعلوم بود؛ این‌گونه موارد را نیز در فهرست حاضر به عنوان «نامشخص» نشان دادم. در پاره‌ی متنهای ارائه شده، کوشش کردم تا رسم الخط هر نسخه تا حد امکان به صورت اصلی نشان داده شود.

اکنون که پس از سپری کردن دو سال مأموریت خود در دانشگاه چارلز پراگ به میهن اسلامی، ایران، بازگشته‌ام، در صدد برآمدم تا مجموعه‌ی فهرست حاضر با عنوان «فهرست نسخه‌های خطی فارسی موجود در کتابخانه‌ی مؤسسه‌ی شرق‌شناسی جمهوری چک، پراگ» را در اختیار پژوهشگران و علاقه‌مندان قرار دهم. خوشبختانه، پس از اعلام من، جناب آقای دکتر سید محمود مرعشی نجفی، متولی و رئیس محترم کتابخانه‌ی بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، پذیرش و آمادگی آن کتابخانه را برای چاپ و انتشار فهرست حاضر به اطلاع بنده رساندند. من نیز پس از آماده کردن نهایی، اکنون آن را به حضور ایشان تقدیم می‌دارم؛ با این امید که پس از چاپ در اختیار پژوهشگران و علاقه‌مندان قرار گیرد.

از جناب آقای دکتر سید محمود مرعشی نجفی به خاطر حسن نظرشان در قبول چاپ فهرست حاضر به توسط کتابخانه‌ی بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی بسیار سپاسگزاری می‌کنم. از همکاران ارجمند ایشان نیز به خاطر قبول زحمت چاپ فهرست حاضر قدردانی می‌نمایم.

از آقای محسن شریف خدایی رئیس وقت و آقای عباس نوروزی رایزن وقت نمایندگی سیاسی جمهوری اسلامی ایران در پراگ، چک، به خاطر حسن نظرشان و نیز همکاری مؤثرشان با اینجانب برای تسهیل به انجام رساندن کار تهیه و تدوین فهرست حاضر بسیار سپاسگزارم و از آنان قدردانی می‌کنم.

از خانم مریم میرفندرسکی کارشناس گروه آموزشی جغرافیا و سرپرست امور دانشجویی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد به خاطر

همکاری در رونویسی متن فهرست حاضر سپاسگزاری می‌کنم و همکاری ارزشمندش را ارج می‌نهم.

همچنین از جناب آقای سید احمد طالب الحق به خاطر راهنمایی‌های ارزنده‌شان در تعیین نوع خط نسخه‌های خطی مشخص شده در این فهرست بسیار سپاسگزارم. امید است این خدمت ناچیز من در معرفی بخش بسیار اندکی از فرهنگ اصیل، والا و گسترده‌ی زبان فارسی مورد عنایت و توجه پژوهشگران و علاقه‌مندان قرار گیرد.

مهدی مشکوة‌الدینی

استاد دانشگاه فردوسی مشهد، ایران

استاد مهمان پیشین دانشگاه چارلز پراگ، چک

آذر ماه ۱۳۸۲

مشخصات ثبت در کتابخانه (مؤسسه‌ی شرق‌شناسی، جمهوری چک، پراگ):
R1144 [تصحیح شد] Pers 440.043/35

نویسنده: حسین الکاشفی

عنوان کتاب: اخلاق محسنی

موضوع: اخلاق

تعداد صفحات: ۱۷۹ صفحه

اندازه صفحات: ۱۲×۵/۱۹

نوع خط: نستعلیق خوش

آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت پادشاه علی الاطلاق عزّت کلمه و جلّت عظمته ...

پایان، از صفحه‌ی آخر: تاریخ هم‌نویس ز اخلاق محسنی ... تحریر این کتاب مستطاب تمام شد با امر و فرمان مکارم عنوان عالی‌نژاد شاهزاده محمد رشاد بن عبدالمجید خان همیشه به حصول مقصودش دل اوشاد باد. به توفیق رب العباد نوشته این رساله به قلم الفقیر الحقیر المعرف بالعجز والتقصیر المحتاج الی عنایة ربه القدير علی الشکری بن الشیخ مصطفی حلمی بن الشیخ علی بن ولی الدّین غفر الله ذنوبهم و ستر الله عیوبهم و رحمهم الله تعالی مع الموحّدين سنه خمس و تسعين و مأتین و الف یوم التاسع فی شهر رجب المرجب من هجرة من له العز و الشرف.

تصویر صفحه‌ی اول و دوم و دو صفحه‌ی آخر.

بررسی در تاریخ سی‌ام نوامبر ۲۰۰۱.

RI11 [اصلاح شد] 1182/35 Pers

مشخصات ثبت در کتابخانه:

شاعر: شیخ فریدالدین عطار

عنوان کتاب: منطق الطیر

موضوع: ادبیات عرفانی منظوم

تعداد صفحات: ۴۴۶ صفحه؛ کامل است.

اندازه صفحات: ۱۸×۱۲

نوع خط: نستعلیق خوش

پایان: سطر آخر صفحه‌ی آخر کتاب: تم الکتاب بعون الملک الوهاب فی دوشنبه ربیع

الآخر کتاب الحروف ابراهیم التماس دعا.

مهر: مویدالسلطان

توضیح: در بالای صفحه‌ی اول و آخر مهر گرد زده شده و داخل آن نوشته شده است:

تفتیش شد سنه ۱۳۱۴ وسط مهر: ت ب.

تصویر: صفحه‌ی اول و دوم و سه صفحه‌ی آخر.



بگویند مخلوق با مصلحت الله تعالى شده تا اوست علی‌کم و الله
 که تحقیق بین تحقیق اوست لازم دار افتاد برین وجه علیاً و نیست
 مخفی و اول حسیه بگوید در میزان قیمت سجده شود
 اخلاق حسنه باشد بعد از آن اعمال حسنه و در حدیث
 آمده که درستی که مؤمن بواسطه خلق نکو درجه‌ای یابد
 در جهشت را که قائم عیسی و صام النهار باشد و حکما
 گفته اند عوی نیک را عیبت روشن که هر مانده از این مصلحت
 سر منزل و شرف و کسر و در توان رسید و هر چه سلوک آن
 رخت از عباد و حیوانیت بدر الملك و نیکو شود کشته عیبت
 هر که در ویرت نیکو بود و آدمی از آدمیان او بود
 بشکی مردم نه نکور و عیبت عوی نکو عیبت نیکو عیبت
 و اخلاق ستوده و اوصاف پسندیده از همه او میان
 نیکو و مستحسن می‌نماید خاصه از جماعتی که محکم و نیک
 خلق می‌باشند و بخت‌دار و زحمت‌آفرین و بقیه دنیا را بشان
 باز داده اند بقتل عیبت بی غایت فوق الملك من تمام

ادب اقتضای این میکند که زیاده ازین قدم بر بساط
 انبساط نهاده نشود و بدعای دولت روز افزون
 سمت اختتام یابد بیت سخن به هر پنج اختیار رفت آن به که
 طی کنم ذکر این نامه را که وقت دعاست مناجات
 خدایا تا فلک را سر بلندیت بزرگان از حکمت ارجمیدیت
 اشعه رایات آسمان فرسای و لمعات الوید سپهر اسما
 این شهزاده عالم ارای عالی رای بیت
 درفش کوبی از برج شاهی فروزان رویش از قرالمی
 ابد الحسن شهنشاهی جو تخت کمر خرد در باد از تاج و از تخت
 و کوبه کوبه عظمت و بدیه حشمت و ابهت اورا
 از سپهر فتح و نصرت شارق و طالع ع این دعا از
 همه خلق جهان امین باد با تمام رسید و به اختتام
 انجامید این رساله مشتمل و مختمی بر اسرار حکمت
 و منظوم بر عقایق الطوارحوت و هم از نام کتاب که
 مصنف باسم سامی و نام نامی آن حضرت است

تاریخ اتمامش معلوم و مفهومی می‌گردد. بیت
 باغاده کفتم ای که ز سر ساختی قدم • در مقدم تو چشم
 سخن یافت روشنی • اخلاق محسنی تمامی نوشته شد
 تاریخ هم نویسنده اخلاق محسنی

برای خداوند گریه حمد و اذان و صلوة و سلام بی‌احصا
 بر رسول و ایشان و حبیب رب منان • تحریر این کتاب
 مستطاب تمام شد • یا امر و فرمان مکارم عنوان عالی آزاد
 شاهزاده محمد رشاد بن عبد الحمید خان • همیشه بکمال
 مقصودش دل او شاد و باد • بتوفیق رب العباد • نوشته
 این رساله بقلم الفقیه الحقیر • المعترف بالعجز والتقصیر
 المحتاج الی عنایة ربہ القدیر • علی الشکر بن الشیخ
 مصطفیٰ حلّی بن الشیخ علی بن ولی الدین • غفر الله
 ذنوبهم وستر الله عیوبهم ورحمهم الله تعالی مع الموحّدین
 سنه خمس و تسعین و مائتین و الف • یوم التاسع
 فی شهر رجب الحریب من هجرة منزه العز و الشرف •

[illegible]

کو بر آهنگ درویشی
 که بر روی آتش نشسته
 نفس بر کنش با بخار می‌بندد
 عقده‌ها چون دیده‌های بی‌آفتاب
 کج با بی‌چون طلسم نیست
 بعد از این طلسم سرش نیست
 همچون پروانه پایش مهرس
 درین کج پایش پایانی
 در چنین کجی که بحر عظم است
 بگو چه است این کج بر عالم
 که نام عالم بگذره هم
 که هیچ داند نام در این بحر عشق
 ز سر آهنگ درویشی
 که بر روی آتش نشسته
 نفس بر کنش با بخار می‌بندد
 علم و دانش را شناسایی گرفت
 جهان شود پدید آید
 غیب را جان خود به سر می‌بندد
 در چنین در در زور و دانش
 زرقه کشنده و جبرنی در کنی
 عالمی ذره است ذره است
 ذره هم یک کوچه است
 کم شود یک کوچه زین بحر کم
 سنگ پره قدر دارد و عفتی

دار آن عفت جو این موریک گفت خشت واپس و کوریک
 واپس خشت که چونند کبانک منقطع کرد و بهم استید پاک
 چون برادر زهره ای کز پاش منقطع کرد و سپید از کبانک
 پس پورنه خشت آفریدی من تو کردان روی فضل و نوی با
 چون کابک آرام سرشته رو بهج باروم سبار در بهج روی
 روی آندوم که با چند گناه بهج بر دیم بیاری ای آله
 نازم مطلق ای کرد کار در کرد از هر چه رفت و در کرد

(حکایت بسید همنه در حمام با خادم)

بسید همنه در حمام بود قاشق افتاد سردی خام بود
 شوخ شوخ آورد با پاروی او جمع کرد آنچه پیش روی او
 شوخ گفتا بگو ای پاک جان تا جو اندازی چه باشد در جهان
 شوخ گفت شوخ بهمان کردن این چه غنم خونی تا آوردن آ

بمخ جواب داد

این جوایز بود بر بهدی او قلمش افتاد و نذر پایی او
چون نبدانی خوشی افزا کرد خوشی خوشی سده قلم پنهان کرد
خلفا پروردگار منشا پادشاه کار سازا مکر
چون جوایزی خنی عالی هست از درباری نصفت نشینی
قلم سلطان تو نه تا بذات در جوایزی بنای در صفات
شوخ و بشیری مادر گذار شوخی و پیش چشم با مسدود
چون بوفتی تو بوشتم کتاب ختم شد و الله اعلم بالبعود
(ختم کتاب)

صفت پروردگار بهشتیار هم سپاس او را و شکر انکار
جان مادر بوستان حمد تو والله و سبک از صفات حمد تو
ملک طلی که خوشن ثابت مست عشق عند لب خوشی کتاب
مدقام بحر جود آمده هم سرگشته‌ی بدندان آمده

این درود بیهات از خدا بار بر جان رسول گیتی
 آن نعمه و نعمه اله کرد بار و اولد حقوا بوز در دلا
 آنکه باشند این درودش دلا سرهم در دوی جان ما
 جان بکث شیفه در کارست ای رسول ادشسته و در است
 در لطف نبوی او کمر نامه بینه روی تو در او کمر
 همچنان دل در کمر تو بود گاه اندر حد و کمر در دوی بود
 حقیقا از مدد در است و اتفاق ختم این نسخه بود
 روز سه شنبه بوقت استوا بیستم روزی بدر ماه خدا
 پانصد و سی و سه کجسته هم ز تاریخ رسول خدا کجسته
 گفت عطار در همه مردن غنی کونیم بگزینی بار کن

تمه القاب بچون الله الواسع و شنبه

ربیع الاول کاتب و کوفه ابراهیم

امام رضا



P.Č. 322/65 RI 86

مشخصات ثبت در کتابخانه:

نویسنده: محمد عصمه الله ابن محمد البخاری (مربوط به قسمت عربی است)

عنوان کتاب: نامشخص

توضیح: بدون تاریخ و شبیه دایرةالمعارف است؛ دارای یک بخش ضمیمه درشش صفحه به زبان عربی می‌باشد.

موضوع: واژه‌نامه‌ی عربی فارسی است ... فی اسامی ازواج النبی صلی الله علیه وسلم، فی اسامی اولاد النبی صلی الله علیه وسلم فی اسامی عشرة المبشرة بالجنة رضى الله عنهم، فی اسامی السور المدینه، فی اسامی موالی النبی صلی الله علیه وسلم ... فی اسامی القلاع بخیر، فی اسامی اوجاع الامراض، فی اسامی الشهور الرومیه، فی کون الشمس فی کل برج، فی بیان اوزان الفلزات ... فی اسنان الغنم، فی بیان اسامی قبائل سبا ...

تعداد صفحات: ظاهراً صفحات قسمت آخر کتاب نیست، چون تا صفحه‌ی ۱۴۸ به فارسی است و بعد به صورت متفاوتی صفحات به زبان عربی است و درباره‌ی صرف و شکل واژه‌ها در زبان عربی است.

صفحه اول موجود: به سکون لام که معدن اوست و دیگری رصاص اسود که رنگش به سیاهی مایل است و آنرا سرب نیز گویند

اندازه صفحات: ۱۸×۱۱/۵ سانتیمتر

نوع خط: نسخ آمیخته به نستعلیق

پایان: ... ثم ما قصدت جمعه فی هذا الكتاب بعون الله الملك الوهاب و التماس اولی الالباب ان لا یخطوء علیّ بالبدیته و الشباب وان ظهر علیهم خطاء فصحّوا نیلاً للشواب رحم الله بمن دعائه لمؤلفه الراجی الی رحمة الله الباری محمد عصمة الله ابن محمود البخاری اسکنهما الله تع فی صواب رحمته من مغفرته الله قدیر و باحبابه تمّت والله اعلم بالصواب به د.

تصویر: شش صفحه از کتاب.

بسکون لام که معدن است و دیگری رصاص است که در
 بسیاریهاست و آنرا سرب نیز گویند و از بزرگترین
 دو نوع است چنانکه از مقدّمه جابلده و صراج منوم
 میگردید پس بضم لام و فتح جیم هم یعنی مسک مخصوص که
 در عرف و رسیدن گویند و صراج بضم زای و جیمین معدن
 پنج جیم و سکون عین و کسر یا و هم ملین کان یعنی جای
 بودن هر چیزی در صراج مذکور است: خاص در صراج
 پس در روی آنکست سرب: حلی است زیور و طلائی
 گران رخصه آردان: خاص بضم نون و حاء مهله
 است و بضم صاد مهله و سکون فارذی ایک مدله و بضم نون
 سرب یعنی رصاص است چنانکه گذشت و در نهاییه چندی
 و کثر اللغات بعدی نقلی نیز گفته علی بضم حاء مهله و کسر
 و تشدید یا اصلش حلوی بوده بضم لام و سکون دوا
 یا کوبه ادغام کردند لام تا مکسر و ساختند جمع حلی
 به فتح حاء مهله و سکون لام و یا زیور یعنی ذرینه یا سینه
 که زنان خود را با آن بیارایند در تزیین مذکور است و کلمه
 بضم جیم و کسر لام و نون گران رخصه پنج یا و کسر یا
 نوح آردان: بخواند سیف و خصام است و غضب و
 صادم پنج: بر من و چند سبب هم تیر و تیر کان جزل

بضم نون و دال و کسر یا
 از حلی: منبت

الفحساء و در اینم گفته اند
 نویسنده

المعبريات في لسانهم لا تقبل كثيرة منها فصار رفع اسم الفاعل والمنفعل
 عليها ان زيد منطلق فان رفع منطلق بان وبما كان مرتفعاً قبله والواو عطلة
 في الرفع وقد استوفينا الكلام فيه فلا حاجة لمزيد وبذلك اتممنا الجمع بالواو والنون او
 بالواو والنون مختص بالصفة العقلية لا العقلية لان هذا الجمع يقوم المفرد ويقيم
 فهم الجملة وتعلم الواحد والتعريف والتعظيم من صفات العقلاء فاختص بهم وانما
 لا يقولون يقتضيه هذا الجمع بالالف والنون وانما اخرج سالم بيقوم تعلم الواحد وليس مختص
 بالانفراد كباب عزه باجتماعه مع كسرات وقد كان الجمع على السلام حتى ما قصت
 الفصل والذين كانوا على الرفع على السلام فالتفت من هذا الوجه بالجي ذات في هذا الوجه لم يثبت
 فصل العشرة فادونها والجمع بالواو والنون والياء والنون والالف والياء من
 النوع واحد وذلك في كثرة فانه نزل في الجمع ان لا يتناول اكثر من العشرة بالجمع
 في كثرة بالواو والنون في القرآن وغيره وليس كذلك تحت الاصل ما قلنا ولكن استحالة
 الجمع ما كان الاخر شايخ فصل وارنه مجموع العقد اعلم ان هذا الجمع لا لم يثبت في
 هذه العشرة واحتجاج الشكك الى زيادتها فيما ليس له جمع كثرة توسع لانه جمع ما
 في هذا الوجه المختص بالعلم بالمراد في الجمع المفرد فيقول في البقي الاكابر وفيه انعام
 في قوله وسورة اشاور فان قلت لا يحتاج الى جمع ثمانية لانه قد علم ان احد المتكلمين
 كان الاخر شايخا على امر قلت نعم يستعمل في الاشارة والشكك لا يستعمل في قسم
 او جمع لانه يحتاج الى هذا لانه قد علم ان كل من يثقل بفعله تحت لانه انما يكرر
 في هذا يحتاج فيما لم يثبت له جمع كثرة لا فيما يثبت له غيره فحسن انما اعلم
 انما لا يستعمل في على الامور الانسانية بل في الامور التي لا يتناولها الاشياء والمنفصلة
 عنها ما احسن افراسها ويراد فريدها يمكن الاكابر في الاشارة لانها لا يكون
 في ذلك كره بما في آية واحدة اقتضاها متعددة في حال ومنها روي عن النبي صلى الله عليه وسلم

في المثال الثاني كما مضى في المثال الاول على ما قلنا على تقدير
 ان يكون المثال الاول هو الذي في المثال الثاني على ما قلنا على تقدير
 ذكر ما يتعلق بهما واللفظ قد يكون في المثالين على ما قلنا
 على ترتيب اللفظ في المثال الاول على ما قلنا على تقدير
 من الشرط والفاء والعلم في المثالين في المثال الاول على ما قلنا
 المثال بعد الامكان على تقدير تقدم الحقيقة على ما قلنا على تقدير
 يعني لما كان المفرد من تقديم القئين مثلاً في المثالين على ما قلنا
 على ما قلناه المعنى رحمه الله فقصده ان يكون المثال متصلاً وقريباً من المثال
 له وهذا اذا دق في تقدم المثال الاول حيث اشتمل على مثال جواز الفاعل
 كذا كذا في المثالين وعلى مثال تقديم خبر الشرط الى كذا في المثالين
 عنه بخلاف ما في المثال الثاني فانه اشتمل على مثال تقديم الشرط و
 جواز اعتبار القسم البعيد ان فيه في الذكر في المثالين وانما قال البعد
 الامكان لانه لم يحقق اتصال جميع الاشياء بالمشكلات حقيقة على ما قلناه
 ايضاً بل بالحق هو اتصال المثال الاول على ما قلناه باعتبار ان في خبره وقدرته
 بالمثل باعتبار الجواز الاول فلا تغفل وانما قال على تقدير
 تقدم القسم الاول لانه لو قدم اللفظ الاول لم يضر وادركه
 المثال الثاني لم يحصل اتصال المثالين بالمثل بل ايضا كان
 في المثالين ما قلناه المعنى رحمه الله في كذا في المثالين
 في المثالين في المثالين في المثالين في المثالين في المثالين
 في المثالين في المثالين في المثالين في المثالين في المثالين

عشرین و اخواتها من تلك الاعداد و عكبت فاذا اسيف يلزم تركيب آخر
فيقتض الى الثقل و في عشرون و اخواتها نون شبه نون الجمع فعم
حذف ذلك لنون عند الاضافة يخالف بقاعدة الاضافة و حذفها
خلاف وضع الاعداد فاذا لم يصيف نصب على التميز ليكون له ملامح
الافراب اما افراد المميز المعداد و فلان لما صار منصوبا صار فاعله
فاعبه افراده ليكون الفضله قليلا منع ان المقصود هو بيان الجنس
يحصل بذلك ثم ما قصدت به في هذا الكتاب بعد ان الله الملك

والتناسي ولى الالفاظ ان لا يخطو على

بالبرية و الشيا وان ظهر عليهم خطأ

فصحتوا انيلا للثواب رحيم السبعين

و عار لمؤلفه الراجي الى رحمة الله

الباري محمد عيسى السحابي محمود

النجاري اسكنها الله ربح

في صواب رحمة من

مقدره ان قد يرد

باجابه كنت

والله اعلم

بالحق

١

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي رُكِّنَ اسْمُهُ شَرْطُ الْإِقَامِ بِهَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
 عَمِدَهُ رُكْنُ الْكَلَامِ وَالْعِبَادَةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ الْأَنَامِ مُحَمَّدٍ
 وَآلِهِ وَصَحْبِهِ الْعِظَامِ وَالْمُتَابِعِينَ إِلَيْهِمْ بِإِحْسَانٍ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامِ وَبَعْدُ
 فَقَوْلُ الْفَقِيرِ إِلَى اللَّهِ الْعَفِيِّ صَدَرَ الدِّينِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الصَّفَاءِ الْحِمْصِيِّ
 لَمَّا كَانَتْ تَحْتَ اجْتِمَاعِ الشَّرْطِ وَالْقِسْمِ مِنْ كِتَابِ الْغَوَايِدِ الْفِيضِيَّةِ لِلْحَاجِّ
 عَنْ وَقْفِهِ وَمَقَامِهِ بِحَيْثُ ذَلَّتِ الْإِقْدَامُ أَهْلَامُ بَعْضِ الطَّلِبَةِ وَالْعُلَمَاءِ
 رَوَتْ أَنَّ أَعْلَى عَلَيْهِ أَجْرًا لَيْسَ لَهُ تَوْصِيحُهُ دَنِيَّ سِرَّهُ حِينَ رَوَتْ الْوَلَدُ
 الْغَزِيَّةُ بِاسْمِهِ اللَّهُ بِهَا قَامَتْ لَهَا دَوَائِبُ التَّمْيِزِ وَأَنَا أَسْرَعُ فِي الْمَقَامِ
 بِعَوْنِ الْمَلِكِ الْمُعْبُودِ فَأَقُولُ لِمَا كَانَ فِي صُورَةِ اجْتِمَاعِ الْقِسْمِ مَعَ الشَّرْطِ
 فِي الْكَلَامِ يَحْتَقِ اقْتِسَامُ يَحْتَلِفُ فِيهَا الْأَحْكَامُ ذَكَرْنَا الْمَعْرُومَةَ رَبِّهِ اللَّهُ
 فِي مَبَاحِثِ حُرُوفِ الشَّرْطِ لَكِنْ وَقَعَ فِي ذِكْرِهِ أَسْجَالُ أَجْمَالٍ فَارَادَ
 الشَّارِحُ مَسْرُوعِيَّةً بِبَيَانِهِ تَقْصِيلُ الْمَرَادِ وَافْتَادَ فِي غَايَةِ الدَّقِّ وَالْمُنَاقَاةِ
 وَلَقَدْ أَجَادَ فَقَالَ: وَإِذَا تَقَدَّمَ الْقِسْمُ أَوَّلَ الْكَلِمَةِ: أَيْ فِي أَوَّلِ زِيَادَةِ
 الْكَلِمَةِ بِالْكَلامِ يَنْفَعُ رُكْنٌ لِكُونِهِ طَرَفَ زَمَانٍ قَسْمٌ لِفِعْلِ مَا عَرَضَ فِيهِ
 الْمَعْنَى أَنْ يَنْفَعُ حَرْفٌ فِي قَوْلِهِ أَوَّلَ الْكَلَامِ لِأَنَّهُ لَيْسَ فِيهِ طَرَفٌ فَالْمَرَادُ مَا نَاوَلْنَا

P.Č. 1418/63 per

RI 69

مشخصات ثبت در کتابخانه:

شاعر: نامشخص

عنوان کتاب: نامشخص

موضوع: معارف دینی

تعداد صفحات: ۱۳۴ به علاوه ۱۴ صفحه‌ی ضمیمه، یک غزل طولانی و ۱۱ صفحه یک ترجیع‌بند؛ صفحه‌ی اول و صفحه‌ی دوم اشعار عربی است. از صفحه‌ی سوم اشعار فارسی است.

اندازه صفحات: ۱۸×۱۱ سانتیمتر

نوع خط: نستعلیق

آغاز: صفحه اول به قرار زیر آغاز می‌شود:

نحمد الله قائما بالذات مالك الملك محي الاموات

صفحه سوم:

چون ترا دست حق به باغ نعیم	داد ترکیب احسن تقویم
بر تو نوشاند جام فضلنا	بر تو پوشاند جامه‌ی تکریم
همه بهر تو آفرید و ترا	بهر خود آفریدگار علیم
بهر او باش تا تو را باشد	خانه گرای گدا بکوی کریم

توضیح: برخی اشعار عربی و برخی فارسی است و بیشتر آنها در باره حضرت مهدی است.

پایان: در صفحه‌ی ۱۳۴، آخر بخش اصلی چنین آمده است: خاتمه یافت بالطف لطف بیچون در یوم سه‌شنبه ۱۳ شهر جمادی‌الآخر دی ۱۳۳۹ مطابق با روز تصادف در ه ۴۰۰۰ برج حوت ۱۲۹۹.

مگر صاحب‌دلی روزی ز رحمت کند در حق درویشان دعائی

فانی نصرالله پیرمرادی کاشانی استنساخ و از محبته‌تان حرم قدس [به همین صورت نوشته شده است] التماس دعا دارد یا مجیب الدعوات.

صفحه‌ی آخر ضمیمه:

بتوفیق یگانه قادر بی‌همتا جلّت عظمته یوم ۳ شنبه ۲۱ جمادی الآخر ۱۳۳۹ مطابق
۱۱ برج حوت ۱۲۹۹ مصادف با ولادت باسعادت حضرت صدیقه طاهره علیها السلام استنساخ
نمود فانی درگاه حضرت مولی‌الوری [به همین صورت نوشته شده است] نصرالله
پیرمرادی کاشانی.

مناجات:

یا رب دعای خسته‌دلان مستجاب کن یا سميع المجيب
تصویر: صفحات اوّل و دوم و هشت صفحه اشعار فارسی.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 مُحَمَّدٌ الْقَدِيمُ مَا لَدَاكَ مَا لَكَ بِهَذَا
 شَيْءٌ أَكْبَرُ مَا تَحْتِ نَاطِلٍ مُوسَى الرَّحْمَى حَامِ الْأَسَاتِ
 مَرِيضُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْغُرَرِ نَزَلَ الْبَنَاتِ وَالْغُرَرِ
 نَزَلَ خِيَمَةٍ عَنِ الْبُطَيْنِ فَلَا يَأْمُرُكُمْ فَيُفْتِيَتْ
 ثُمَّ حَمْدُ اللَّهِ بِأَرْشَادِنَا بِالْبَنِينَ عَلَيْهِمُ الصَّلَاةُ
 اللَّهُمَّ اذْهَبْ عَنْ أَمْنٍ لَقِيَ عَلَيْهِمُ الرِّسَالَةَ
 رَبَّنَا آتِنَا أَطْعَمًا هَمَّ أَتَى قَلْبَ رَحْمَتِكَ
 آتِنَا مَا دَعَا نَفْسُكَ تَدُلُّ أَسْيَافَ الْحَقِّ
 أَنَا ذَا شَهْرٍ مِنْ صَدَقَ
 أَمَّا رَحْمَتُهُمْ بَيْنَ أَمْنٍ

مَن نَسَبَ لِرَجُلٍ فِي الْأَوَّلِ مَشْرُقًا مَن رَقِيَ الْأَنْوَارُ
 كُلُّهُ دَامَتْ قِيَامُهُ عَلَى مَطْلَعِ الْوَجْدِ أَحْمَدُ الْخَطَّابُ
 وَفُضِّلَ عَلَيْهِ مِنْ رَجُلٍ عَمَّا لَمْ يَمُتِ إِلَّا الْخَطَّابُ
 الَّذِينَ بِهِمْ هَذَا الْقَوْمُ بَعْدَهُمْ دَامَتْ بِلَا خَبَرٍ
 وَهُمْ الْعَالَمُونَ بِالْآيَاتِ وَهُمْ الْأَحْفَاطُونَ بِالْأَنْبَاءِ
 عِلْمُهُمْ فَتَعَلَّمْنَا هَمَّ ذَلِكَ لَيْسَ خَيْرٌ فِي الْأَنْبَاءِ
 النَّبِيُّ يَمُوتُ وَالْوَلِيُّ يَمُوتُ وَالْبُؤْسُ يَمُوتُ أَيْضًا
 فَهَدَمَ عَلَيْهِمْ دَعَا سَيِّدِ الْأَوَّلِ وَالْآخِرِ
 مَا حَيَّ الْكَفَرُ حَتَّى لَا يَسْلَمَ نَاصِرُ الْأَرْضِ كَاتِبُ الْأَصْنَامِ

چون سرادست من باغ نسیم داد کرب حسن تقویم
 بر تو ز شاد هم فضلنا بر تو پشندیده کرم
 همه بر تو آفرید و سرا به خفا آفرید کار علم
 برادران من تا تو را باشد خانه گری ای گدا بگوی کرم
 حشمت ز آبا پیش حق طلب رتب رتب گوید ابراهیم
 عجز کن بر در خفیه حق گرفته کشته دایب لعظم
 که درخت نمیزد اینها بر در او بار طلب سلیم
 هر کجا بگفت با عدای زو نندگان باید ز سر تسلیم
 همه گزشتند ریشا لشک
 هم کربک ریشا لشک

ای سرادر ز آب نصیب در زار می‌کنند و ز حق می‌گذر
 هر چه که نیم خبر ندای بها هر چه جویم خبر ندای بها
 ماه زرد که دستگیر گشته باد در نیمه و در میان در
 یا بهار گشت در گشتها که در چشمها که در گشتها می‌گذر
 گشته بر زار و زار که نشد آب حیران نصیب است
 لاف دانش ازین که در با هر سرده خضر را راه
 خوشتر از خضر که را می‌دین حق آب زار که گشته
 با تو که می‌اکرم و می‌تواند بود از آفتاب روشنتر
 فاتیمة بنت الحسن النعمانی
 و بیستین فی السهم

ای خدا کارها با ما بدار
پرونده‌هایش بر دار
همه از عطای تو بخش
همه را بر خدای تو بخش
دین حق را دلیر کن
مقدور انفس در محراب
مصدق را به تو بخش
همه را از انفس تو بخش
بناختی غفلت ز قلب ما زدا
روح حمت نطق ما بقرار
دشمن کن دشمن ما بر کن
مردم را که در امر تو مانده
خسرو مظهر را مژده دار
گفته همه را بملطف تو بخش
عاجت همه را بفضیلت تو بخش

الحمد لله رب العالمین
المستزاد المصنف آداب

۱۳۳۹

تألیف لطیف یحیی در ۴۰۰ بیت
۱۳۳۹ هجری

طبعی با زور تعارف در ۴۰۰ بیت
۱۲۹۹ هجری

عمر صمدی ندرنی در ۴۰۰ بیت
کشف دروغ در ۴۰۰ بیت

فانی فیضیه بهر سرادی گشته
شاخ دار محمدی در ۴۰۰ بیت

پاس رسا دارد
بجای آیه

بر الا عظم الا به
 مرا به دل چشمت ز گردن کردن
 کجا بود جمله آب کجا بود
 چرا زانالم تخت چرا انگرم زار
 که ز در پیش جهان ز غم
 درون دایره مقصود خودی نام
 سرانه پای بر دوش به پای
 مرا چه غافل ز جا که ز غم فارغ
 مرا چه غافل ز جا که ز غم فارغ
 چه می نهم چه می نهم چه می نهم
 مرا چه فخر که ز غم به یاد
 چه می نهم چه می نهم چه می نهم
 مرا چه فخر که ز غم به یاد
 چه می نهم چه می نهم چه می نهم
 مرا چه فخر که ز غم به یاد
 چه می نهم چه می نهم چه می نهم
 مرا چه فخر که ز غم به یاد

مجلس

مهبد نوح چون گشت عهد در ببال نفوس شریفین
 مهبد حضرت یعقوب رفیع حق ز کید جوان در قید کسوف
 مهبد حضرت مرثی ربط از کج چو حضرت یارون در گریه
 مهبد حضرت روح آلوده عارفان یک از خدایو بودا کسوف
 مهبد حضرت خرم تاب آفت کج صدق از در کاس و سحر
 مهبد حضرت یارون در کسوف کج شد این در کج جان
 مهبد طلعت ابرو بخشن با هر یک است از عهد
 بلین بختیم در دلا کوه بر آنکه گشت عهد در کسوف
 زحی مهبد در این در کسوف کج شد این در کج جان
 قسم بر دی رای قصه ای قسم بر دی رای خدای

قسم به سدر ز شیر حضرت سلطان قسم کنی تو نصیر حضرت جون

قسم بر من تو نصیر در همه المشرق قسم بر تو نصیر بهر المخرجون

بیاپی تو نصیر کما مراد بگرد راه تو نصیر آرد پای جون

بدر طمعه تو بموطن دشمن بسجده صدها تن زیر زبون

که یونانی تو طمع نگردد ز فراغ ببالن نمی زبون

دل نسیم که به رخ تو زده کرد نیار نصیر نهاله است پای جون

طبع از روز که نفس از این

ایراند تو زده شد و بهر جون

۱۳۴۹

توقی حضرت زبانی همان پیشخ گره بر من ۱۶ مهر ماهی ۱۳۴۹
سلطان باقیم برج حوت ۱۳۶۹ خانه نصیر بهر پای جون

مشخصات ثبت در کتابخانه: RII 52 [اصلاح شد] Pers 1015/35 520

نویسنده: نامشخص

عنوان کتاب: نامشخص

موضوع: ترجمه و تفسیر قرآن کریم (چند سوره از قرآن)

تعداد صفحات: نامشخص.

صفحه اول موجود بر اثر فرسودگی ناخواناست. احتمالاً صفحه یا صفحات اول کتاب فرسوده، پاره و کنده شده است. همچنین صفحه آخر کتاب فرسوده و پاره و کنده شده است. کتاب بسیار فرسوده است.

در بالای صفحه با قلم نوشته شده «وقف».

اندازه صفحات: ۱۲×۱۸/۵

نوع خط: نستعلیق نزدیک به نسخ

آیات قرآن با سرخی و ترجمه و تفسیر با جوهر سیاه نوشته شده است.

توضیح: در هشت صفحه‌ی آخر کتاب «قصه وفات حضرت رسول ﷺ» نوشته شده است.

آغاز: سطر دوم در صفحه اول موجود که خوانده می‌شود به قرار زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم و این فقیر می‌خواهد که افتتاح این سخن به این دو وعده

مزین باشد ...

پایان: در صفحه‌ی آخر کتاب ترجمه و تفسیر، پیش از صفحات قصه‌ی وفات حضرت

رسول صلی الله علیه وسلم نوشته شده:

تمام شد کتابت این کتاب بعون الملك الوهاب در بیستم شهر جمادی الاول بود که این

نسخه تمام شد در نهصد و پنجاه و هشت.

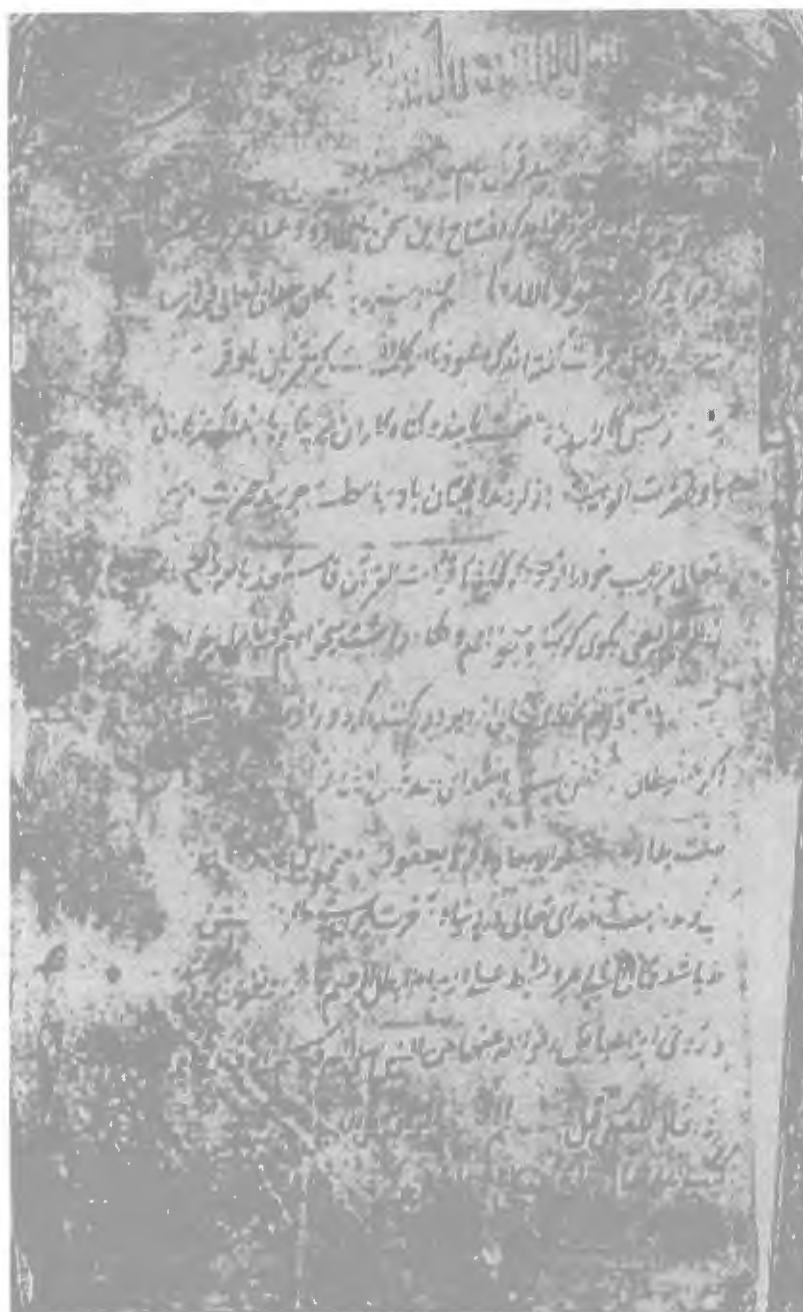
هرگز ز بدی ندید کس رایحه‌ای از کار نکو رسد بجان رایحه‌ای

و انهم طمعی ز جمله یاران عزیز خواننده به روح بنده یک فاتحه‌ای

قلم سست و سیاهی همچو آبست دل کاتب از آن معنی خرابست

اللهم اغفر لی ولوالدیه ولأستاد ولجميع المؤمنین والمؤمنات والمسلمین والمسلمات

تصویر: صفحات کتاب.



بگویند در آیه و تفسیر و اصل معرفت گفته اند که این اسم که در میان
 است از کبریا و عظمت و بزرگویت است از خلق و لایبت و عظمت
 و جلال و کبریا و در حق خود است و در حق ما و عباد و خلق
 و در حق خود است از امام و جبر صادق رضی الله عنه که گفت هر کس
 این اسم را در قرآن و سوره قرآن مودع در قافیه و مودع است و سوره
 الحزب و هر کس که در اسم است مودع و مودع است و مودع است و مودع است
 اسم الله اینست که ای کائنات ای و یکون یا یکون یعنی چه بود من
 بود و هر چه باشد من باشد پس اشارت بود باین که و الله اعلم
 علی و علی الله
 کتاب یکیم شام خدای یک هر یک و یک شانه الله است یعنی مالو
 بیش شناخته عارفان است است یعنی هر یک و بیش روزی با
 فقه علیان الرحیم است یعنی بخش فیات یا فیه کن کاران و آغاز
 این کتاب حق تعالی این اسم شد از هر آنکه بند و در هر سوره و هر
 این جهان و حال آن جهان و حال کور و کور و کور و کور و کور و کور
 جهان کار ساز و دیت الرحمن یعنی هر یک و کور و دیت الرحمن
 یعنی فاشند و آن جهان و آن روز و کمال و کمال و کمال و کمال

[illegible]

مشخصات ثبت در کتابخانه: RI 2 [اصلاح شد] P.Č.1001/35 Pers

شاعر: نامشخص

عنوان کتاب: نامشخص، ظاهراً جاودان‌نامه

موضوع: پند و نصیحت

تعداد صفحات: ۳۶۴

اندازه صفحات: ۱۴/۵×۸/۵ سانتیمتر

نوع خط: نستعلیق

آغاز: صفحه‌ی اول:

اَبـتـدا را بـهـتـرین نام خدا

بـود فـضـلش کـردم از وی اَبـتـدا

فَ آه [همین‌طور نوشته شده] آن خداوند کریم

هـادی خـلد از صـراط مـسـتـقـیم

آنکـه بی او بـود اَبـتر کـارها

ایـنچـنین بـنمود حـق اسـرارها

[همین‌طور نوشته شده] جاودان‌نامه، فَ آله

هـر دو را بـنمود چـون خـورشید و ماه

صفحه‌ی آخر:

این نصیحت را بجان گیرید یار کار ما این دم چو با صبر اوفتاد

چون خدا با صابرانست شد تمام این سخن کوتاه کردم والسلام

قد وقع انواع من تحریر هذه النسخة الشريفة فی اواخر شهر رجب المرجب فی تاریخ

سنة ست وستين والـف عن يد عبدالضعيف حبيب بن علی باسکندریه

تصویر: صفحه‌ی اول و صفحه‌ی دوم و سه صفحه‌ی آخر.

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم	ابتدا را بجهت بی نام خدا
بود فضلش کردم از وی ابتدا	فستاده آن خداوند کریم
تا وی خلد از صراط مستقیم	آنکه بی او بود پیر کار ناما
اینچنین بنمود حق اسیر ناما	کرد کار را بنام ولایت
پادشاه لایزال ولایت	خالق بشری ولی اول قلم
تا کشد بر لوح سهو عالم	نطق که آن هم ستوت
بستی ولایت انبیا از وی	بشنو این سرودی جوای را ز
از علمت کردی سر فراز	تا سوی الله را چو حق بنیاد کرد
از برای آن دو ذات آباد کرد	آنکه بود آدم و حوا در اصل
بیت انبیا از هم در اصل	جاودان نامه عفو اله
هر دو را بنمود چون خورشید و ماه	بود آدم شس و سی آن دگر
چون با بنمودت داد کبر	بنفایت داشت از حق وافر
گشت از آن اتم الکتاب و	

کاوندون

کاف نون هفت بود اول
 در هفت اول سوال از مروت
 ابراهیم چون زانست ای
 کاف کبر و آخر او شکل جمل
 الی تمام هفت کان محمود بود
 کتبی میکرد از آن منزل سوال
 حیات حیات الحاقی آن امام
 چون کند الله بر کرسی نزول
 در عین او مرا باشد قیام
 رشک قدم اول و آخر شده
 چون شود از آن خداوند بجا
 در شهادت عقد انکسار و بیکر
 دعوت آمد سلوه است
 بود چون نوق نامل آن مقام
 هفت نامل سوار کرسی از دست

هفت نامل سوار کرسی از دست
 از تو خواهد کرد بی شک و اوت
 از حقارت آیه انگری شنید
 فست نمود آن سخن در جمل
 دیده اندر بدش مسدود بود
 زان رسول مادی صاحب کمال
 گفت روزی با حجاب از آن مقام
 روز پرش باشد در تو بجا
 چون کنم آنجا با هر حق قیام
 از تقاضای همه ملا هر شده
 در شهادت من کنم بی دیگر
 تا از و در نامل کردی خیر
 بود چون نامل بر بد کجاست
 کردش اندر باده احمد تمام
 چون کانی است و سوس

کشت دلی قرار و در کوه	سخت نداشت این برافزین کوه
وقت ترکیب از برای خیر و شر	آتش و آبست فسد یکدیگر
در غنیمت کردن او چون شیر	باد و از خاک کرد و انگیز شد
بشکند هر جا که باشد لشکری	سر آرد و هر زمان از نظری
می کند زاری که خون می هرز	می گیرند باز از خود نیز تیز
پیش ایشان چون که سرخسیت	در سکنت آینه از کوهینیت
نیت هر شک نمی آرم برین	نقش بازی هم مگردان انجیق
کاه خدا آن بدست خود آید	کاه جبارست و قهار و قدیر
خود مگر خیر آن او و بدلیها	در مطهر است از و تملیها
اوست چشم هر کس از وی خوشه	عاشق و معشوق کار آموخته
هیچ عاشق سرخی دارد و در رخ	چون نهد بر رخها از آن وسیع
در حقیقت آنچه خواهد و نمود	در مجاز آنست باز با نمود
کو بزی خوشی میکن جامه کپ	چون که بر خودی کند مارچه کپ
دید او در جای دیگر خوش با	در بسی مظهر حصص از انبیا
تا نواز این زبان بر لب نمود	نیک هم در صراف نمود
	ایشان

چونکه در خود نور خود را بیدار

چونکه در خود نور خود را بیدار	چونکه در خود نور خود را بیدار
که او از فضلش بجای نطق پاک	که او از فضلش بجای نطق پاک
آفرید اشیاء بخلق قادی	آفرید اشیاء بخلق قادی
این دنیا و اعتقاد انبیاست	این دنیا و اعتقاد انبیاست
مبدأ اظهارش اندر رضا و نبوت	مبدأ اظهارش اندر رضا و نبوت
این کلام روح بخش و نواز	این کلام روح بخش و نواز
هرگز است خدا و انما کند	هرگز است خدا و انما کند
بی روی باشد مطیع او بجا	بی روی باشد مطیع او بجا
ای جوانمانی که موعود خدا	ای جوانمانی که موعود خدا
این نصیحت بشنود از من رجا	این نصیحت بشنود از من رجا
خانه به مشرب همه ویران کنید	خانه به مشرب همه ویران کنید
نی چنان پاکی که او کرد پدید	نی چنان پاکی که او کرد پدید
نی چنان پنهان کرد و آشکار	نی چنان پنهان کرد و آشکار
بمکه عدوش کند از ضرب تیغ	بمکه عدوش کند از ضرب تیغ
تا که هرگز نرود تا ابد	تا که هرگز نرود تا ابد
ت آمد و عده با او رسید	ت آمد و عده با او رسید
در جوشی خفته و افکار و کما	در جوشی خفته و افکار و کما
آنکه افزون بود از نقصانبری	آنکه افزون بود از نقصانبری
در قیامت بودن و جستن چنگ	در قیامت بودن و جستن چنگ
هر که دید این نکته را و نشا و نبوت	هر که دید این نکته را و نشا و نبوت
دارد اندر زمین خود بسیار راز	دارد اندر زمین خود بسیار راز
رازا و را یک یک پیدا کند	رازا و را یک یک پیدا کند
چون زما یا بد بجهت او نشا	چون زما یا بد بجهت او نشا
است ما را بعد ازین روی شما	است ما را بعد ازین روی شما
از بیان نطق و غیبیان	از بیان نطق و غیبیان
تخم شرک و جهل پنهان کنید	تخم شرک و جهل پنهان کنید
باز از شیطا پس از عهد بعید	باز از شیطا پس از عهد بعید
چون بر آمد چند قرن از روزگار	چون بر آمد چند قرن از روزگار
بر کنید و بشکندش بی دریغ	بر کنید و بشکندش بی دریغ
است زیرا آن همیشه تخم بد	است زیرا آن همیشه تخم بد

این نصیحت را بجان گیر دیا
چون خدا با صابرانست شد تمام
کار ما این دم چو با صبر اوفاد
این سخن کوتاه کردم و السلام
قد وقع الفراغ من تحرير هذه الشرح الشريفة
في اواخر شهر رجب الحبيب فانه قد شئت و شئت
عزید عبد الضعیف جیب بن علی
باسکندریه
۲

J.Č . 1081/35

RI 9

مشخصات ثبت در کتابخانه:

مشخصات پشت کتاب، 1181/35، ظاهراً غلط است.

نویسنده: منصور بن محمد بن احمد بن یوسف بن قصة الناس [همین طور نوشته شده است]

عنوان کتاب: کفایة المجاهدیه

موضوع: طب نظری و عملی

تعداد صفحات: ۳۳۷ و ۱۹ صفحه افزوده شده در آخر کتاب و دو صفحه افزوده شده به اول کتاب؛ اشخاص دیگر نیز بر صفحات آن حواشی نوشته‌اند.

اندازه صفحات: ۱۰/۵×۱۶/۵

نوع خط: نستعلیق و شکسته نستعلیق

آغاز: صفحه اول کتاب: بسم الله الرحمن الرحيم و به

شکر و سپاس مرخالقی را که در خلقت انسان دقایق حکمت او بی‌پایان است و حمد بی‌عدد و ثنای بی‌قیاس مرپادشاهی را که نعم و احسان او در حق انسان بیرون از حد و بیان است...

صفحه چهارم: ... در قید کتابت کشید و به کفایة مجاهدیه موسوم کرد و دیباچه آن را مزین گردانید به القاب همایون حضرت اسکندر ثانی واضع اساس جهانبانی حامی قوانین ملک و ملّت ...

صفحه پنجم: ... هلال کمان بزرگ همت و قدر بلند افسر و تخت خجسته رایت و رای و گزیده نام و نشان لازال فی عرصۃ المالك مرفوع اللواو حله الله ملکه و سلطانه مظفر اعلى الاعلاء که خورشید رافتش بر مشارق و مغارب عالم درخشان است ...

صفحه ششم: ... فهرست کتاب این کتاب مبتنی بر دو فن است فن اول در قسمی طب یعنی نظری و عملی قسم اول در طب نظری مشتمل بر چهار مقاله ...

آخر کتاب: ... تمت الكتاب بعون الملك الوهاب مرقوم قلم شکسته رقم اقل السادات سید علی مشهور به حمزوی گردید بفاتحه یادآوری نمایند. مم تاریخ ندارد.

تصویر: دو صفحه‌ی اول و دوم و دو صفحه‌ی آخر.

بسم الله الرحمن الرحيم
 شکر و سپاس از حق تعالی که در خلقت انسان دقت و حکمت او
 پدیدانست و بعد از عدد و شمار و سنجش و برآوردن هر
 که نعم و جهان او از حق تعالی پدید آمد و در میان است و
 هر قدر از باریع اهل و دهر را کمال است و در کمال
 رافت و رحمت او و در احوال او و در قدرت او و در
 از نعم قدرت او و در احوال او و در قدرت او و در
 در حق تعالی و در قدرت او و در احوال او و در
 به هر حفظ و در حق تعالی و در قدرت او و در
 هر یک بر قوت و در حق تعالی و در قدرت او و در
 من الطیبات و در حق تعالی و در قدرت او و در
 از رب العالمین و در حق تعالی و در قدرت او و در
 مناجاد او و در حق تعالی و در قدرت او و در
 حکایت و در حق تعالی و در قدرت او و در

[illegible]

[illegible]

مشخصات ثبت در کتابخانه: RI 56 1101/35 Pers [تصحیح شد] rkp Tur 70 RII 56

شاعر: حافظ

عنوان کتاب: دیوان حافظ

موضوع: ادبیات تغزلی عرفانی

توضیح: یازده صفحه‌ی اول و شانزده صفحه‌ی آخر دیوان سفید است ولی همانند صفحات دیوان خط کشی شده و برای نوشتن ابیات آماده است.

اندازه صفحات: ۱۷×۱۰

نوع خط: نستعلیق

آغاز: در یک صفحه آغازی کتاب از صفحات سفید به خط نستعلیق درشت نوشته شده:

این کتاب را منکه ملا عبدالؤمن
برای یوسف آول یادکاری دادیم
اولین بیت موجود کتاب:
گر همه خلق جهان بر من و تو حیف زنند

بکشد از همه انصاف ستم داور ما

پایان: آخر بیت موجود کتاب:

زیر بارند درختان که تعلق دارند ای خوشا سرو که از بار غم آزاد آمد
توضیح: عنوان کتاب و تاریخ کتابت نوشته نشده است. صفحات، زمینه‌ی آب طلا دارد و نوشته‌ی پایین سمت راست و یا چپ برخی صفحات بر اثر گذشت زمان و یا احتمالاً رطوبت از میان رفته است.

تصویر: سه صفحه‌ی اول و صفحه‌ی آخر موجود.

کهن بر کوه دروختان سبز لای لای در راه و لای لای در راه و لای لای	کهن بر کوه دروختان سبز لای لای در راه و لای لای در راه و لای لای
کهن بر کوه دروختان سبز لای لای در راه و لای لای در راه و لای لای	کهن بر کوه دروختان سبز لای لای در راه و لای لای در راه و لای لای
کهن بر کوه دروختان سبز لای لای در راه و لای لای در راه و لای لای	کهن بر کوه دروختان سبز لای لای در راه و لای لای در راه و لای لای



مشخصات ثبت در کتابخانه: RII 48 [اصلاح شد] P.Č. 1188/35 Pers

شاعر: نظرعلی زنجانی (در صفحه‌ی ۱۱ آمده است)

نظر را با علی خم کن مقامش شهر زنجان دان

بجویی از ره احسان اگر نام مؤلف را

پس از اتمام و تصحیحش ز راه فکرت و بینش

مفاتیحی ز قرآنش مستی کرده‌ام او را

عنوان کتاب: مفاتیح

موضوع: فرهنگ لغت (لغات قرآنی؛ در صفحه‌ی ۱۱ آمده است)

هر آن لفظی که از قرآن ترا مشکل فتد در آن

به ترتیب حروف ای جان مرادت را طلب فرما

بعهد پادشاه کامکاری خسرو عادل

محمد شاه غازی تاج‌بخش قیصر و دارا

ز بعد چار خمسین و هزار و شصت از هجرت

بپایان آمد این منظوم خوش مفهوم گوهر سا

تاریخ: در صفحه‌ی ۸ و صفحه‌ی ۱۲ و ۱۲۶: ۱۲۶۰

تعداد صفحات: ۳۱۰

اندازه صفحات: ۱۷/۵×۲۲/۵

نوع خط: نستعلیق نسخ آمیخته با ریحان

آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم

تعالی الله خداوندی که از حکمت کند پیدا

همی از خاک و باد و آب و آتش جمله [ی] اشیاء

قدیری موجد الخلقی که در ذات آمده واحد

ملیکی مالک الملکی که در ملک آمده یکتا

پایان:

چه یعتو تجاوز ز حد می‌کند ز نیمو فزون میکند شد عیان

اگر معنی یبلو آمد چنین دهد نعمت وی کند امتحان
یبلو می آزمايد و نعمت می دهد

توضیح: سه ورق آخر پاره و کنده شده؛ با این حال، کتاب نسبتاً خوب مانده است. بر
کتاب حواشی محدودی نوشته شده است.
تصویر: صفحات اول و دوم و صفحهی آخر.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
تَعَالَى اللَّهُ خَلَقَ نَدِي كَمَا رَحِمْتَ كُنْدِ پِپَا
همی نخل و بار و آب و آتش جمله اشیاء
قدیر: موجد الخلق که در ذات امد واحد
ملکی مالک الملکی که در ملک امد یکتا

درآمد دایم از قدرت بدون الت و نهجت
 ز تیشی شربت نوشی زخار و اندر حرمان
 رنغنش خنجر ناب و مرصع ز لایم کوه
 باورش کبند میامعلق بر سر عیار
 نشاندار اختر و انجم به اوج طار و مقام
 عجایب مشعلی روشن غرایب کوهی بیضا

چه یقین آن آمدنم میدهند
 یقین آن را هم بدان فایمان
 که آن میشود شرح معلوم بود
 باید بر غیر یکنوع خوان
 چه میجویش بود یکنوع
 دیگرش دانند دارند بدان
 چه یقین آن نزد میکند
 نیز یقین آن میکند و عیان
 دیگر معنی یکنوع آمدن
 دهد و یقین آن میکند و عیان
 یکنوع آن را دانند سید

P.Č. 1186/35 Pers [اصلاح شد]

مشخصات ثبت در کتابخانه: RII 46

نویسنده: نامشخص

عنوان کتاب: نامشخص

موضوع: طالع‌شناسی و نجوم و فال‌نامه براساس آیات قرآن

توصیف سالها برحسب سال خاص (موش، پلنگ، خرگوش و نهنگ و ...) و توصیف حالات مردان و زنان و طالع آنان برحسب تولد در برج خاص و ارائه‌ی دعاها و طلسم‌ها برای دفع بیماری‌ها و ناراحتی‌های جسمانی و روانی.

تعداد صفحات: جمعاً ۱۶۴ صفحه به علاوه‌ی ۱۳۰ صفحه طالع‌شناسی و نجوم، ۳۴ صفحه فال‌نامه براساس آیات قرآنی؛

اندازه صفحات: ۱۷/۵×۲۲

نوع خط: نسخ

آغاز: نصف صفحه پاره و کنده شده است

همدونه و مرغ و سگ و خوک آخر کار ترکی و فارسی سیچقان و موش پایان: نوع دیگر برای گریه کردن کودک که بسیار گریه کند، این آیه را بنویسد و در بازو ببندد ترک کند.

بسم الله الرحمن الرحيم. فضرینا علی اذانهم فی الکھف سنین عدداً تمام شد.

توضیح: کتاب فرسوده است؛ بدون تاریخ است.

تصویر: صفحات اول و دوم و صفحه‌ی آخر.

و آنکه در آخر سال از این صبح و آن قاضی خلیف باشد سال آنکه سال جاری بسیار بود
و بزرگوار باشد و مردم رنج و اندوه رسد و سلطان رنج رسد و آنکه سال بسیار
باید و در تابستان و پیراهن و در یک سو و در پانزده سال با یکدیگر صالح کنند و در میان
کرد و خلاصه است و در رنج رسد از جهت ستودن و در ماه شش ماهی و از این طرف
و هر روزی که در آن سال از این صبح و در خرب نوی باشد و آنکه در سال از این صبح
از این صبح بود و آنکه از این صبح سال از این صبح سال شش ماه و در این صبح
و سلطان و در رنج رسد و میان این و در میان و در میان و در میان و در میان
کند میان و در میان و در میان و در میان و در میان و در میان و در میان
الیت و از این صبح و در میان و در میان و در میان و در میان و در میان و در میان
واب و با حاکم کند و در میان و در میان و در میان و در میان و در میان و در میان
است و در میان و در میان و در میان و در میان و در میان و در میان و در میان
سالیکه و در میان و در میان و در میان و در میان و در میان و در میان و در میان
اب و در میان و در میان و در میان و در میان و در میان و در میان و در میان
بکند و در میان و در میان و در میان و در میان و در میان و در میان و در میان
سالیکه و در میان و در میان و در میان و در میان و در میان و در میان و در میان
سرو و در میان و در میان و در میان و در میان و در میان و در میان و در میان

مشخصات ثبت در کتابخانه: RII 33 [اصلاح شد] P.C. 1185/35 Pers

نویسنده: میرزا سروش سلطان الشعراء (در صفحه آخر نوشته شده است)

عنوان کتاب: روضة الاسرار

موضوع: مجموعه گفتارهایی به صورت مثنوی در وقایع کربلای امام حسین علیه السلام و خاندان او.

توضیح: وضع کتاب نسبتاً خوب است ولی در حال فرسوده شدن است.

تعداد صفحات: ۱۰۷ صفحه

اندازه صفحات: ۱۵×۱۲/۵

نوع خط: نستعلیق. در این کتاب حرف «گ» شبیه «ک» نوشته شده است.

تاریخ: ۱۶ رجب المرجب ۱۲۶۸ (در صفحه آخر نوشته شده است)

آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم

دارم اندر دست خونین خامه‌ای [در کتاب: خامه]

تا که بنویسم مصیبت‌نامه‌ای [نامه]

لیک ترسم که بسوزد خامه‌ام

همچنان ننوشته ماند نامه‌ام

خامه‌ام ترسم که گردد محترق

تا بسوزد از تف آهم ورق

بر نشانم ز اشک تف آه مرا

تا نویسم سرگذشت شاه مرا

پایان:

بی‌ثوابی صد صغیر کرده‌ام

آن صغیر را به اصغر بازبخش

آن سزای تاج و زیب‌گاه را

رتبت و کام دو کیهانیش ده

کام لب آلوده‌ام از شهد او

بارالها بس کبایر کرده‌ام

آن کبایر را به اکبر بازبخش

کردکارا ناصرالدین شاه را

حشمت و نام سلیمانیش ده

کین جواهر سفته‌ام در عهد او

اول این نسخه تا آخر تمام گشته در دارالخلافه والسلام
به تاریخ شانزدهم شهر رجب المرجب سنه ۱۳۶۸.
تصویر: دو صفحه‌ی اول و دو صفحه‌ی آخر.

بسم الله الرحمن الرحيم
 دارم اندر دست خود بنویسم
 تا که بگویم نصیبت نامه
 لیکن رسم که بخواهم
 به چنان نه نوشته اند نامه
 خامه ام رسم که در محرق
 تا به روز آفتاب رسم در حق
 بر شام ز شکفتن او را
 رسم هر کشت شاه را
 کرد حق چون حال آید و فی
 شکایت چنانچه در حق
 آن بر دار دل غم آید و فی
 و آن در آن سر و همیست
 حق چه همیست بسم را
 و بسم کردن آید بسم را

خوش بیان لبست از پادشاهی
کرد حق و سچ خدا از زانوش
عامه پندار نفعان و سچ خدا
کو سپندی بوده از بوی خدا
کی فرستد کو سپندی از دل
بهر اسمعیل حتی لم یزل
بشمار معصوم این سچ
دست را بدردن بر گیر
گفت حق بر کوبد و جبریل را
که خبر معصوم اسمعیل را
در یکی دل نیست کجای او
زین دو یک است چای است
یا فرودیل تاج خلعت را از سر
یا پیر زور راه مانای سر
گفت بستم ندیده فروان لبی
این بخت در آوده خود است
چون که ز غمی شد غمیل عشق
از بوی و سچ کردن پاوست
کهن نماید و سچ اسمعیل
که با را کرد و ملا هر حق بدو
چون بیند حال شاه دال

بزرگوارش آید و آنکه تالیف و تالیفات که در عصر خود تالیف
بسلطان اثر آن مؤلف است و این نسخه را در آن مؤلفه است

شکر نه اینجا که خواستم این بهشت است و هر چه است
دیش چمن رونق خوش و دلجو رونق آلا سرار که دم نام
چشم نام که پذیرفته شود در دو کیتی نام من گفته شود
نیست که در افراد آن که در نام کردم این نام را می‌دانم
باز الهام کس که بایر که در نام به نوا به صنف بر کرده ام
آن که بایر را بکبر و بخش آن صغیر را به نوا بخش
که در کلام و انوار الدین شده آن سرای تاج و نیر کلام
حسنت نام سلیطانش ده رقت کلام و دو کیتی نام ده
کلام به نوا نام از نوا کلام به نوا نام از نوا
اول این نسخه را فرستاد کشته و در آن نسخه نام

گفت بجه شاه دین یار ایام بال و پر در خون رو داد ایام
 کوفیان مست عهد پیر فا نشسته کاش سر بریدند قفا
 غرقه در خون کشتی خون کشتی خواهی اینک برین
 کردوی کشند در خاکین کرد ما داز کرد پیش را کفن
 ماندان و سوزن نشتی سار کستر دند بر روی رنج
 این بخت و مزج خوش خا طه لرزان خا ن کزاد به
 مذبح در پوست موی ناز کرد رخ کند و موی شکن ناز کرد
 مردوزن از غصه و درفش بر لب از این قصه زن ای کش
 تمام و با تمام رسید این مکتب زلف که از شاخ طبع زلف چاب
 از رخ مهر آرد و اکمل فصاحت و از آن حسن البقا بعصر سر کار

P.Č . 1183/35

RII 1

مشخصات ثبت در کتابخانه:

نویسنده: شیخ جعفر خزاعی

عنوان کتاب: نامشخص

موضوع: علم افلاک، ستاره‌شناسی، نجوم، توصیف افلاک، بروج، سال، ماه و تاریخ شمسی، قمری، رومی و مبدأ تواریخ.

تعداد صفحات: ۱۰۰ صفحه به علاوه ۱۲ صفحه اضافات به صورت رساله‌ای در اصول دین شیعه.

توضیح: کتاب تاحدودی فرسوده است و برخی صفحات بازسازی شده است؛ ورقهای کتاب به رنگ سبز مغز پسته‌ای است.

اندازه صفحات: ۱۵×۲۰ سانتیمتر

نوع خط: نستعلیق

تاریخ: ۱۲۲۶ هجری قمری (در صفحه‌ی آخر نوشته شده است)

آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين

الحمد لله الرب العالمين حمد الشاكرين والصلوة على خير خلقه وآله اجمعين.

اما بعد اين كتاب مشتمل است بر مقدمه و دو مقاله؛ مقدمه در بيان آنچه پيش از شروع در اين علم دانستنی است و آن دو قسم است، قسم اول در آنچه تعلق به هندسيات دارد ...
پايان: ... و اصغر ثوابت مرصوده بيست و سه برابر جرم زمين است والله اعلم تمت
الكتاب في وقت الظَّهْرِ في الثلث الوسط من شهر جمادى الآخر من الثلث الاوسط من السنة المباركة الميمونه يونت استل [به همین صورت نوشته شده است] مطابق سنه هجره الف و مائتا و ستة و عشرون سنه ۱۲۲۶ الحمد لله من اوله الى اخره برسم نسخه کی موعود [به همین صورت نوشته شده است] مرصع شد.

تصویر: دو صفحه‌ی اول، صفحه‌ی آخر و صفحه‌ی اول ضمیمه.



[illegible]

مشخصات ثبت در کتابخانه: RII 17 [اصلاح شد] Pers 1093/35 . P.Č

نویسنده: نامشخص؛ در صفحه آخر، میرزاییک (همچنین: پاینده بیک)

عنوان کتاب: نامشخص؛

موضوع: ظاهراً گزارشی است به شخص بالاتر

تعداد صفحات: ۲۶

تاریخ: در صفحه آخر، دوشنبه، بالسح [به همین صورت نوشته شده است] ششم شهر صفر ۱۲۸۱ هجری مطابق ششم ماه امسال ۱۲۷۱ مگد [به همین صورت نوشته شده است].

توضیح: کتاب کاملاً فرسوده است و گوشه‌های همه‌ی صفحات خورده شده و از بین رفته است؛ خط کتاب در برخی جاها به دلیل شکستگی خوانا نیست.

اندازه صفحات: ۱۳×۲۰/۵

نوع خط: نستعلیق

آغاز: ظاهراً یک و یا چند صفحه‌ی اول کتاب از بین رفته و جدا شده و موجود نیست.
تصویر: صفحه‌ی اول و صفحه‌ی آخر.

[illegible]

کرده درین روز یکبار گنج جان دل خیز گردیده
 بکار برار لوت انگیز فکیده زده خرد عارضه کار و نه
 نامه شد کار و لطیف سیم پانیه یک و نصف
 میرزا بیک بر درم شنبه ماه ششم شهر صفر ۱۲۰۴
 مطابق شنبه ماه شمس ۱۳۰۴ خط عام کتابخانه
 آقا قلی مستدار مالک کتاب سعادت نقاب
 زناد الوهم مدخره و علمه و علمه و علمه و علمه و علمه
 و نامشروع و نامشروع و نامشروع و نامشروع و نامشروع
 نسیم بنو بدست بیان جعفر بن نقاب و نامشروع
 و علمه بنفست چهار آینه فرد فتم کر که در علمه باطلت

P.C. 1187/35 Pers [اصلاح شد] RII 47

مشخصات ثبت در کتابخانه:

شاعر: نامشخص

عنوان کتاب: کتاب المقاتل

موضوع: کتاب مقتل امام حسین علیه السلام، مجموعه‌ی مرثیه دربارهی حادثه کربلا و شام.

تعداد صفحات: ۲۹۲

تاریخ: نامشخص

اندازه صفحات: ۱۸×۲۲

نوع خط: شکسته نستعلیق

توضیح: کتاب فرسوده است.

آغاز:

باز این فغان و غلغله اندر زمانه چیست

این آتش زبان فنا را بهانه چیست

مرغان باغ برده چرا سر بزیر پر

درمانده جمله در طلب آب و دانه چیست

پایان:

شب تاب داده بود بزلفش ولی کنون شد طره‌ی عروس پریشان ز دست تو

توضیح: ۲۵۸ صفحه اشعار و ۳۴ صفحه ضمائیم به نثر و شعر دربارهی حادثه کربلا

و شام. کتاب فرسوده است.

تصویر: صفحه‌ی آغازی و صفحه‌ی اول و دو صفحه‌ی آخر اشعار.

بودم بر ز صحرای کجاست کس را
 امروز حوالا رگشته شکر و سنان شدم
 ز دیوب کجی چو رب آتش چو کل شکفت
 چون از زبان فتاده میکنی عروسی گفت
 ظالم زن که آن ب در بار نازکت
 بشکول میکنی که بسیار نازکت
 دست بریده باد بسیار جان ما
 می کنی ستم که آن کل رخسار کت
 در پیش چشم عابد پیرانیستم
 از سنگدل میکنی دل پیران نازکت
 از رداش بخارجا می کنی می
 غافل از نیستم که چون کل کد نازکت
 نسیب بطنه گفت بر زن خویش
 ظالم بوسه که هر چه خوب میزد
 آذرده گفت این ب تنه از دست تو
 کردید چشم فاطمه کریم از دست تو
 چو کل
 از سنگدل نیستی افسرده از غلظ
 زین شرم آب شد دل بیکان تو
 آفر فتاده مرغ دلم از زبان کنم
 تا کی نشان زدست تو افتاد از دست تو
 در شام بود زنده کنیم مشکل از غلظ
 امروز گشت مردنم آن از دست تو
 شب تاب داده بود بر غلظی و ما کون
 شد طرزه کسری بر این صفا

مشخصات ثبت در کتابخانه: RII 99 [اصلاح شد] P.Č . 1294/60 Pers

نویسنده: نامشخص

عنوان کتاب: لوح‌نامه، نسب‌نامه

موضوع: لوح‌نامه ظاهراً درباره چگونگی نوشتن سه هزار نام خدا است. در قسمت پایانی هشت صفحه اشعار به زبان ترکی است.

نسب‌نامه در بیان نسب نام‌های حضرت نقشبند غوث است.

تاریخ: ۱۲۴۶ (در صفحه‌ی آخر نوشته شده است).

تعداد صفحات: ۵۷ صفحه، هشت صفحه اول لوح‌نامه و ۴۹ صفحه‌ی بقیه نسب‌نامه.

اندازه صفحات: ۱۷×۲۳

نوع خط: نستعلیق.

توضیح: کاغذهای کتاب سبز کم‌رنگ و در حال فرسودگی است.

آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم

لوح‌نامه: لوح‌نامه [ی] معظم و مکرم هست هست [همین‌طور نوشته شده] خانه است هست [همین‌طور نوشته شده] هشت خانه در بهشت است.

نسب‌نامه: بسم الله الرحمن الرحيم

در بیان نسب‌نامه حضرت نقشبند غوث بدان ای سالک طریقت و ای طالب معرفت دانستن این نسب‌نامه [ی] حضرت شاه نقشبند بقلندران لازم است بلکه دانستن آن مرشد عاملیان خواب است [همین‌طور نوشته شده].

پایان:

کتب هذا نسخة من مکت الامعضة و سنة ۱۲۴۶ فی شهر القربان [همین‌طور نوشته شده]

تصویر: صفحه‌ی اول لوح‌نامه و صفحه‌ی اول نسب‌نامه و دو صفحه‌ی آخر.

[illegible]

[illegible]

مشخصات ثبت در کتابخانه: RII 120 [اصلاح شد] Pers P.Č. 3219/65

نویسنده: نامشخص

عنوان کتاب: رساله مبدأ و معاد (در صفحه‌ی اول نوشته شده است)

موضوع: ظاهراً در آداب صوفیه است.

تعداد صفحات: ۱۶۴

تاریخ کتابت: ۱۲۱۴ (به صورت ۱۲۰۱۴ نوشته شده، در صفحه آخر)

اندازه صفحات: ۱۳/۵×۲۲/۵

نوع خط: نستعلیق؛ عنوان بخشها با جوهر شنگرف و متن با جوهر سیاه نوشته شده است.

توضیح: کتاب فرسوده است.

آغاز: این رساله مبدأ و معاد

بسم الله الرحمن الرحيم، منها قطب ارشاد که جامع کمالات فردینه نیز باشد، بسیار عزیز الوجود است ...

پایان: مرکب نوشته‌ی بخشی از دو سطر ماقبل آخر از بین رفته است ... خصوص حالتی که در حین اداء نماز رود ... [خوانده نمی‌شود] اصیل است ... ولذات آن مبنی از انتها والسلام اولاً و اخراً تمت [به همین صورت نوشته شده است].
تصویر: دو صفحه‌ی اول و صفحه‌ی آخر.

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله رب العالمين
 انما قلبه از شانه جامع کلمات حکیم برین قریب یازد بسیار و نور او جود است و بعد از
 قلوب بسیار و از این پیش از این قسم که هر یک بطوری آید و عالم قلمانی از نور او
 او نورانی میگرد و نور او شاد و هدایت او شامل تمام عالم است از هیچ طاعتش تا مرکز
 تمام فرشی بر کس را گردانده و هدایت او تمام عالم است ایمان معرفت حاصل میشود و از او
 م آید و از او است و میگرد و به توسط او یکس از این دولت غیر سه غلام از او هدایت
 و در چگونگی برای محیط تمام عالم را در دست گرفت است و آن دریا کوته بنحیث که اصلاح
 ندارد و شخص که متوجه آن برگردد است و با او ملاقات دارد یا آنکه آن میگرد و بعد از ملا
 قات میشود و در وقت توهم کوته و در آن در آن طاعت کشت و بعد از آن در آن
 متوجه و اصلاح از آن دریا بسیار میگرد و بعد از این شخص که متوجه ذکر الهی است
 خانه و آن وزیر اصلاح متوجه نیست از آن کار بگو و از این شایب همین قسم افاده
 آنجا هم حاصل میشود لیکن در صورت اولی پیشتر از صورت ثانیه است اما شخصی که
 میگرد و برگشت یا آن بزرگ ایندی پیر است هر چند بدگرانی است و نقد است
 اما از حقیقت برنگشته و هدایت و فیض پرورم است همان کار او است و فیض
 میگرد و آنکاران طریقه متوجه خدمت افادها و شود و نقد فراد و غایب حقیقت هدایت
 از وی منفور است صورت و شدت صورت بعضی قلیل انفع است و بعضی که غایب
 و بعضی که غایب است و بعد از آن توهم منکر و از ذکر الهی تمام شایسته علی باشد نیز

از الهی

مشخصات ثبت در کتابخانه: P.Č. 1293/60 rkp Pers [اصلاح شد] Hakáje fársi RII

نویسنده: عبدالحق بن سیف‌الدین الترك الدهلوی البخاری

عنوان کتاب: حکایه فارسی (در صفحه اول)

موضوع: (بخش اول) حکایه فارسی رساله‌ای است برای تکمیل ایمان و تقویت ایقان

در بیان عقاید اسلام و قواعد ملت به طریق اهل سنت و جماعت....

(بخش دوم) کتاب گلستان سعدی.

تعداد صفحات: قسمت اول (حکایه فارسی)، ۱۶۰ صفحه؛ قسمت دوم گلستان

سعدی، ۲۱۸ صفحه.

تاریخ: نامشخص

تاریخ کتابت: نامشخص

اندازه صفحات: ۲۲×۵/۱۶ سانتیمتر

نوع خط: بخش اول کتاب به خط نسخ و بخش گلستان به خط شکسته نستعلیق

نوشته شده است.

توضیح: تعدادی صفحات هر دو کتاب افتاده است و موجود نیست؛ صفحات اول

گلستان در آخر کتاب صحافی شده است.

در بخش اول نیز نام «حکایه فارسی» ظاهراً بعداً در بالای صفحه نوشته شده است

و نام آن بخش نباید به این گونه باشد. در قسمت آخر کتاب در صفحه‌ی آغازی پشت جلد

به اشتباه نوشته شده «بوستان سعدی». کتاب تاحدودی فرسوده است.

تصویر: صفحه‌ی اول و صفحه‌ی آخر بخش اول؛ صفحه‌ی اول بخش دوم «گلستان»

(صفحه‌ی اول گلستان به اشتباه در آخر چسبانده شده است).

آنها که در راه کفر اند. و بهشت زردگان عالم تسلیم اند
 نوید مشو که در حق عالمیت بسفر و مشو که خاصکون و نیم اند
 و نیز میگویند که در حالت حیات غرق غالب باید و چون وقت
 رحلت در رسد رحالتش آید علامت پیوسته نیست و در
 تاخیر رجا گفته اند و خری بدین معنی تواند بود یا اشارت است
 بقلیه غرق برجا اعلو آن الله در بر العقاب و ان الله
 غفور رحیم لکه الحمد که ختم رسال
 بر رجا و مغفرت و رحمت آمد
 عاقبت بخیر باد بحرمة الله
 العاقبة الابطحی واد
 واصحابه الامم و امم
 بل صنگ بالرم الهم
 تمام شد این رساله

یا فتاح
 رب سیر بسـم الله الرحمن الرحیم
 مننت مر خدا بیا عز وجل که طاعتش موجب
 قربت است و شکر اندر شش نزد نعمت
 هر نفسی که فرو میرود حمد و ثنات و تحویل بر حق
 و مفرح ذات پس در هر نفسی و نعمت موجود
 است و به هر نفسی نعمتی شکر واجب است
 از دست زمان که تیراندازد که زخمه شکرش بداند
 قوله مع



مشخصات ثبت در کتابخانه: RII 82 [اصلاح شد] Pers 2822/57 P.Č.

شاعر: مولوی

عنوان کتاب: جلد اول مثنوی

موضوع: ادبیات عرفانی منظوم

تعداد صفحات: ۲۰۳

اندازه صفحات: ۲۰/۵×۱۶ سانتیمتر

نوع خط: کتاب به خط نسخ نزدیک به ثلث نوشته شده و فرسوده است.

تاریخ کتابت: ۱۲۱۲ هجری قمری

تصویر: صفحه‌ی اول و دوم و دو صفحه‌ی آخر.

P.Č . 5405/55 RII 73

مشخصات ثبت در کتابخانه:

شاعر: مولوی مولانا جامی

عنوان کتاب: یوسف و زلیخا

تعداد صفحات: ۲۴۴ صفحه

اندازه صفحات: ۱۴×۲۲/۵ سانتیمتر

نوع خط: کتاب به خط خوش نستعلیق نوشته شده و بسیار فرسوده است.

تاریخ کتابت: چهارشنبه پانزدهم ماه اکتوبر بمقام خنجره سنه ۱۷۹۷ عیسوی

بتمامی رسید.

تصویر: صفحه اول و دو صفحه‌ی آخر.

کوزه چشم در میان بر نشد
 هر که اجماع عشقی به آن شد
 ناله اناری عشقی خوش رویی با
 ای روی خوش و ناموس ما
 جگر خال از عشق بر افلاک شد
 عشق جان طومار شد عاشقا
 بالبدن ساز خود کرد جفتی
 هر که او از هفت پا به شد جدا
 چون که کل رفت و کلان در گذشت
 جلد عشقت و عاشق پر دانی
 چون نیا شد عشق از بدای او
 من چگونه هو تمام پیش و پس
 عشق خواهد کین سخن به روزی
 نیت دایه چراغ خانه نیست
 حکایت عاشق در پناه شاه
 بشنید ای در میان این داستان
 بود شاه در زمانی پیش ازین
 اتفاقا شاه بهتری شد سوار
 یک کینه که در دهنه به شاه راه
 مرغ نیا شد در قفس چرخ طبع
 چرخ در دایره رخ در آید شد

ناصد خفاغ نشد به در نشد
 او در صومعه حبس کلی پال شد
 ای طبع عجله علمت ای ما
 ای تو افلاطون و جالینوس ما
 کوم در قصر آمد و چالاک شد
 طور مست و خمر روی صاعقا
 باجو به سن گفتنیها کفنی
 به زبان شد که چه در دهنه
 نشنوی نیک پس ز بل سر گذشت
 نرنگ معشوق و عاشق مراد
 او چون مرخی ماند به پروای او
 چون نیا شد شو به یارم پیش افکند
 آینه عمارت بنی در جوانی بود
 نهان که شکار از دستش متناهیست
 ای وزیر پادشاه آن کینه کرا
 خود حقیقت نقد حال داستان
 ملک دنیا بودش و هر ملک دین
 با خاص خواهر از بهر شکار
 شد علاه آن کینه که جان شاه
 داد و آب و آن کینه که اخلاص
 آن کینه که از قضا بهما رسید

نقش حق را هم با مهر حق شکن	بر زجا به دو کس کند و دگر زن
کبر این بشنید و نوری شد بدید	در دل او تا که ز تاراش برید
گفت من تخم جفای کاشتم	من ترانج دگر پنداشتم
تو ترا زوی احد خو بوده	بل زبانه هر ترا زو بوده
تو بتار و اصل خیشم بوده	تو فروغ شمع کیشم بوده
من غلام آن چراغ چشم جو	که چراغتش در کشتی بدرقت ازو
من غلام موج آن درای نور	که چنین کوه را دراز ظهور
عرضه کن بر من شهادت را که من	مرا دیدم سرافراز من
قرب پیچد کس ز خویش و قوم او	عاشقانه سوی من کردند رو
او بتبع علم چندین خلق را	و اخبر بد از بتبع چندین خلق را
بتبع طم از بتبع آهن یزتر	بل ز صد لشکر کلف انکیر تر
ای دریغ القه در خورده شد	جوشش فکرت از آن افشوده شد
کند و می خورشید آدم را کسوف	چون زنب شمع بدی را کسوف

اینک لطف دل که از نیک مشت کل	ماه او چون میشوید پروین کل
نان چو معنی بود خورشید روز	چونکه صورتش گشت انبیکه خود
همچو خاد سبز که گشته میخورد	زان خورشید سبزیش رفت صد نعم
چونکه آن سبز شود رفت و شک گشت	چون هزار میخورد گشته زدشت
می در اندکام دلخشی ای دریغ	کاخنان و مردی گشت تیغ
نان چو معنی بود آن خار سبز	چونکه صورتش شد کزین خوش گشت و کز
تو بران عادت که او را پیش اوین	خورده بودی ای وجود نازنین
در همان بو میخوردی این خشک را	بعد از آن که میخفت معنی با شرا
گشت خاک امیر خشک کوفت بر	زان گیاه اکنون پیر هیزای شتر
سخت خاک آلود می آید سخن	آب تیره شد سرچه بند کفن
تا خدایش باز صاف و خوش کند	او که تیر مکر دم صافش کند
صبر آرد و از زورانی شتاب	صبر کن و الله اعلم بالصواب

قد تميم هذه النسخة المباركة الشريفة
عن يد الشيخ ابراهيم المولوي
عالمنا

بسم الله الرحمن الرحيم

کلی از دره قفسه جاوید به نهای	الهی غریب امید یکشایه
دزین گل عطریه دور کن دماغم	بخند آن از لب آن غنچه باغم
به نعمت مایه خویشم کن شناسا	دزین محنت سراسیمه بی هوا سا
بیا بر آسایش پیش گردان	ضمیمه را سپاس اندیشه گردان
برایم سخن ناسیر دزیم بخش	ز تقویم خرد به زودایم بخش
زنج دل زبان را کن کهر سنج	دلی دودی نو که کج بر کنج
معطر کن ز مشک ناف تا فاسک	کشادی نافه طبع مرا ناف
ز عطر ناما عذرا نشان کن	ز شوم خامه را شکو زبان کن
و در آن نامه عجز نامی نماند است	سخن را خود سر انجام نماند است
غمی بایم صدای زان ترانه	دزین خنجره شیرین فسانه
تکی خنجره ناکر دند رفتند	حیاتان باد ما خوردند رفتند

شایم بخند و زمین بزم خاتم
 کز باشد بر نفسش زان باده جا
 بیابا جایی بر خاکش ساری
 ز صاف و دوردیش آنچه داد
 بنام آنکه نامش جز جانهاست
 زبان در گام گام از نام او یاب
 خرد در او نموده دم بدم روی
 پی آن صورت بان را نشا کرده
 تعال اندر می‌سیم دانا
 فلک را انجمن افسر و ز انجم
 هرب سار شقف از جرح دایر
 بناد غنچه کل را تا آتش پور
 نصب بافت عروسان بهار
 بلند می‌بخش مهر است بلندی
 کناه آفرین و ندان قبح توار
 انیس خلوت شب نونده داران
 ز بحر لطف او ابرو بهار
 ز کمان جو و باد و خزان
 کز خورشیدش بر من روز و رفته نیست
 مستایش جوهر تیغ و بانهاست
 نم از سرچشمه انعام او یافت
 هزاران ناله و باریکت چو دود
 ز دود این سینه را و ندان کرده
 تو ای ده جسد تا تو بان
 زمین را از یب و انجم و بزم
 خزان چادری و در غنا
 دکل برش هر کلبه طی بند
 قیام آفرین و دی جوی باری
 بر پستی افکنی بر خود پسندی
 بطاعت کبر پران ریاکار
 رفیق روز در محنت گذاران
 کز خار و شمشیر و آتش بداری
 کز خورشیدش بر من روز و رفته نیست

سخن را در دود جادوئی تمامی
 بامرز ز شش زبان کبشای جامی
 سیر کارینی مکن چون خاندن
 بشو از چشم پر خون نامر خوش
 ازین محراب جود انان خامه طی کن
 وزین سود کسواد نامر طی کن
 زبان را کوشمالی خاموشی ده
 که هست از هر چه گویم خلوشی ده

تمام شد نسخ نویسی و تصنیف مولوی مولانا جامی بر روز چهار
 تاریخ پانزدهم ماه اکتوبر بمقام چتره سنگه جمیوتی رسید ۵۵

مشخصات ثبت در کتابخانه: P.Č. 1105/35 Pers Diván - i háfiz RII 68

شاعر: حافظ

عنوان کتاب: دیوان حافظ

نام کاتب: نامشخص

تعداد صفحات: ۴۳۲

توضیح: کتاب شامل غزلیات و مثنویات و رباعیات است. کتاب در حال فرسوده شدن است.

اندازه صفحات: ۱۶/۵×۲۵ سانتیمتر

نوع خط: شکسته نستعلیق

تصویر: دو صفحه اول و دو صفحه آخر.



یار و دوست این غرض یار و دوست
 خاطر مجمع مازلف برین است
 عزم دیوار تو دلاور جان بر لب
 باز کرد و یار و دوست فرمان
 دور و دراز خاک غمی در این جور
 گماند ز نه گشته بسیار ز تو یار
 دل خراب میکند دلاور را اگر کند
 ز بهار در دوستان مان مروغان
 ایچ باستانی شهر یزدان باکو
 کار سرقی ناستناسان و غیره
 اوچ و درم از بسا دوست دور
 بنده شاه کایم و نستان
 که جام مان در بر و روان
 سجد زلفت و لطفی زلفت
 بگو نوزند مستوری مستان
 بخت و آلوده با بیدار نشد
 زان که زود دیده لب زود
 بهر امر نوبت از رخ گلشن
 بگو در لبتوم از خاک لسان
 این شاه بلند خمر را آینه
 تا برسم چون گردن خاک این
 بکشد دعا نشوی ایمان بکوی
 روزی ما به اول شکر آفتان شما

که همچون من افتاده این دام تو بیست
ای بس که خراب باد و وقایع
ما عاشق ز دست عالم سوزیم
ما بامشین و کز نه بد تو بیست

بر دل غم رود کائنات کی دار بیست
بلکه از جهان و هر چه در وی بیست
اسبان شبی طلب و پای کیست
و دوست کز آن که جرعه می در بیست

که ویم دل بپیر و ی نفس بیست
از خویش خبر داخه هرگز بیست
احوال جهانیان متعجب کردیم
ما بخویشتن این ظلم نکرد بیست

چشمه که خون و زخم می بار و بار
ز بهار که تیغ نجیب می بار و بار
سین زود ملول گشتی از بهمن
او از دل تو که شک می بار و بار

حیسان خطت بیکد گزشتند
بر خون من دل شده مهر بستند
قاضی تو دین مسدود می چو دیج
خطیت پریشان و کوان بستند

ای آنکه بنده صبر و ماه از ملکین
بر آتش خاک تو شب و روز حسین
ما دست و زبان دل شکم نشان
بر آتش انظار و فانی شین

ایام شبایت شراب اولیتر هر غمزه با بخت و باب اولیتر
عالم همه سر خراب است خراب در جای خراب هم خراب اولیتر

از غمزه کوت و خرابت دلم ز از روی همیت و حجابت دلم
ز آن روی که آن روی همه کرد در آتش عشق تو کناست دلم

حافظ ورق سخن کند روی طعن دین خانه ترو پر ریائی بی کن
فاموش نشان که وقت غمزه است دم در کش و جام پیش را پری کن

تمت الکتاب
بعون الملک
الوهاب

P.Č . 3530/kk II 17131

مشخصات ثبت در کتابخانه:

نویسنده: محمد بن فتحعلی لواسانی

عنوان کتاب: نامشخص؛ مجموع چهار کتاب است

تاریخ کتابت: در بخش آخر آمده: جمادی الثانی ۱۲۶۴ دارالخلافة طهران در هنگام بیکاری.

موضوع: مقتل و حکمت و معارف دینی.

کتاب اول، در مقتل و حکمت‌های خداوند و پیامبر.

کتاب دوم، اشعاری در موضوعات مختلف.

کتاب سوم، مجموعه‌ی شعر.

کتاب چهارم، از کتاب گنجینه‌ی معتمدالدوله مبنی بر مراسلات رقعه‌جات.

تعداد صفحات: ۲۴۰ صفحه

اندازه صفحات: ۱۵×۲۱/۵

نوع خط: نستعلیق

توضیح: کتاب چهارده صفحه مقدمه به نثر دارد و می‌گوید که برای نشاطی خان میرزا بابا نوشته شده و تصویر نقاشی او را در صفحه‌ی اول کتاب ارائه داده است.

آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم

برخواست باز ناله کربویان همه از عرش و فرش و عرصه کون و مکان همه

تصویر: صفحه‌ی اول، وسط و آخر و دو صفحه‌ی اول کتاب چهارم.

بسم الله الرحمن الرحيم

برخواستن از کور بیا بیا
از غش و دشواری و عیش و کنایه
برخواستن از غفلت روزیست
بر جوش و طبع و دام و دود و بخت
برخواستن از روزی که یوم شکر است
در ملک شرف و عزت و بخت
برگشتن از بیکار و غفلت
لاهیوتان کرده تا سوتان
باز از مکان عالم بکایین الم
افتاد و بمانند غفلت در مکان
باز از غفلت سبط رسول این
یکبار و محوش خط این مکان

سلطان شریف و باند از مغربین

دارا شریف و سرور دین و ایمین

باز این چو شورش است که در هیچ خبر است
باز این چو شورش است که در هیچ خبر است
باز این چو شورش است که در هیچ خبر است
باز این چو شورش است که در هیچ خبر است
باز این چو شورش است که در هیچ خبر است
باز این چو شورش است که در هیچ خبر است
باز این چو شورش است که در هیچ خبر است
باز این چو شورش است که در هیچ خبر است
باز این چو شورش است که در هیچ خبر است
باز این چو شورش است که در هیچ خبر است

بیا بیا

باز آن پستخیز سبط محمد است باز آن پستخیز سبط محمد است
 آن که بخت بد و سر زخمه برین خاقان بنیاد شاه اولیاس حسین
 در بیان آنکه روزی که عالم را ایجاد کردند غم را
 برای خلق ایجاد نمودند مخصوصاً آنکه المهارت
 روزی که با برای خدایین رساند زوال عالم از پنج رشت از غارت
 نوزد نیم سطر حشر را در آن که صد هزار سطر نوزد از غارت
 پس خط خونی را حق این که بگویند بر لوح او پیش ازین و سماوات
 خطر و سگشتر در آن مصلحت اندر آنکه حضرت سگشتر
 خطی که بگفتن خونی در آن در کوفت زمین مجسم دون غارت
 خطر و سگشتر بهلوی عالم در سقط محسن از دیو جور غارت
 خطر زاب که زده اسما در آن اندر شهادت حسن مجتبی رشت
 خطی که سحر عظمی زید کسپاد در کشتن چین سر از حق غارت
 خاقان خاقین در شهادتین فرخ برادر حسن مجتبی حسین
 در بیان قتل و دین پلید و شام غم و غلام لشکر محنت کربلا
 عرفای نفع ضرر سر اصل در یا صیحو شاهر مرمل در ریه
 یا آنکه شد بلند را دم که آرماد قاتل بهشتی مثل در رسید

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

درج چهارم از کتابخانه مؤسسه شرق شناسی جمهوری چک، پراگ

بسم الله الرحمن الرحيم

سپاس می گویم و ستایش می برم آغاز بی ابتکاری را که هستی را به نیستی
آورد و نیستی را به هستی برورد و هستی را به نیستی برود و به بالیه پس از انحطاط چنانکه
ملاخا طاهره کانه فطره الهی بودم در تلیت ظلمات مرا به نور توحید فروغی بخشید که
در گشت احوال بحر وجود را به یگانگی می پرستم چنانکه گویند یکیت و دو نیست چنانکه
گویند تویی و جز تو نیست احد صمد لم یلد ولم یولد خود آمده خدای یگانه که از چیزی بیرون آمده و از چیزی
بیرون است یگانه از ازلست و یگانه تا ابد است چه در ذات و چه در صفات واحد و احد است
لا اله الا هو احد الا هو لا اله الا هو لا اله الا هو لا اله الا هو لا اله الا هو لا اله الا هو لا اله الا هو لا اله الا هو
قابض و باسط الا هو عقده در عقده چنانکه در خجسته چنانکه در سبج

خدایا بنده عاجز و سگینه زبانه از تعصیر خود می ستوانم که در ذمه تو کل بر تقدیر تو حکم نه اتوب الیک
من که در کتاب ذنوب از طبع خود بقتل خود رجوع نمائتم که در ردی تو به رجوع دارم خود
نار

وقت از خلقت بخور و لذت بیستی و لذت قصه تمام و فوق تمام باز تو را کم گشت با چنان
 بگویم تو گفت عینک من که همه اسباب از سبب سازید و بنده و آزادیهای تو فراهم داشتم
 دی دانی و سببش خاطر نکردم داشتم در حالت فقدان اسباب چگونه اضطراب تمام
 بود پروردگار ما همان مطلق خیریم که نه بد و نیکی کار خود دارند و نه با اختیار خود پیروی پرورنده خود را
 و توان پرورنده قادر که با همه فرایدها و توانها و بدو خویسمان از پرورش او دست بردار و او را
 نفسی با و او را در این بیندگان مسکین چه گفته آید و چه ثواب و ازین بچایه گاه مضطرب بودی
 و چه اضطراب هر چه شایسته پروردگای تست خدای کردی

غیبه لا یغیر علی شیئی ولا یعلم بجزو شکر کیف یعول نفس که الا کم یبطل قول من که عسی ان یزعم
 ان شیئی ولا یغیر علیه و عسی ان یزعم ان شیئا و هو شرک فاعضبت اولی و اولی منه تسبیان زلفه
 خوشی و خوشی بهر خوشی زهر خنجر سگون خوشتر بود و پروردگای

خدا با خدا یا امر از شیخ و لیران و ابروی و لیران باطلال قدرت اشارت را کردی و از برای پران
 و لیران و لیران با نوار قدرت اشارت را دادی همه مراتب ذات تو بود و عکس صفات تو عکس تو بود
 آنچه در اینجا دیدیم و در طلب قرب تو بود که تقرب بصورت کردیم ولی در سواجه عکس از صفات پروردگار
 ما کردیم آینه در غیب دردی تو بشنید پشت کردم بر تو ای خاکم لوق خسته اگر اینی در

مشخصات ثبت در کتابخانه:

R91 [شماره ثبت در فهرست کتابها دیده و یافته نشد] [نامشخص است] 3531/3rk

شاعر: زینب النساء بیکم بنت شاه عالم کبیر

عنوان کتاب: دیوان مخفی (در صفحه‌ی آخر نوشته شده است)

تاریخ کتابت: نهم شهر محرم الحرام سنه ۱۲۶۱ هجری روز شنبه.

کاتب: اکرام علی

موضوع: غزلیات و دو صفحه آخر رباعیات

تعداد صفحات: ۱۹۶

اندازه صفحات: ۱۷×۲۶/۵ سانتیمتر

نوع خط: نستعلیق شکسته

آغاز:

ای ز ابر رحمت خورم [خرّم] گل بستان ما

گفتگوی حرف عشقت مطلع دیوان ما

پایان:

آیا چه درد بود که چون من تمام شب سر را به سنگ میزدی و میگریستی

توضیح: کناره صفحه‌ی اول ترمیم شده و کناره‌های صفحات آخر در حال فرسوده

شدن است.

تصویر: صفحه‌ی اول و دوم و صفحه‌ی آخر.

الحمد لله رب العالمين

ای دیر دست خرم کل پستان ما
دیدی انا الحی که در خون و در عشق
احاط کن کن بکشتی خدایر کشته
که قبول افتد ز ما در بندگی تو نیاز
خطه اشکی بنا بد و درد ما با و کبر
در خدای خجسته ای ابدی و زایل نیاز

کمز و ظلمت میں جس سرسبز و آبادی قدم
 رہ نہا بد خضر موسیٰ شمسہ عیون

ای بنو حاتم و جد و اصل هر دو چون
چون غیر طایفه ما را از رحمت کرد
نوازد و در طایفه حرم خود جایگاه در
نامه اندل سوگدای که غیر خود و

بی زانو در پیش چاه تو بر نهاده ما
هم لطفت را در پیش ما محمد
پایگاه عبید که بی تو نمی میوه و ما
نمیست ممکن قبل از این مقصود ما

رسالہ شکر سوز و حمد

شعبه مسير و زرد و دانه و دانه

نامین جهانگیر و اناخت علم را کبرفت اقالیم عرب و محمد را

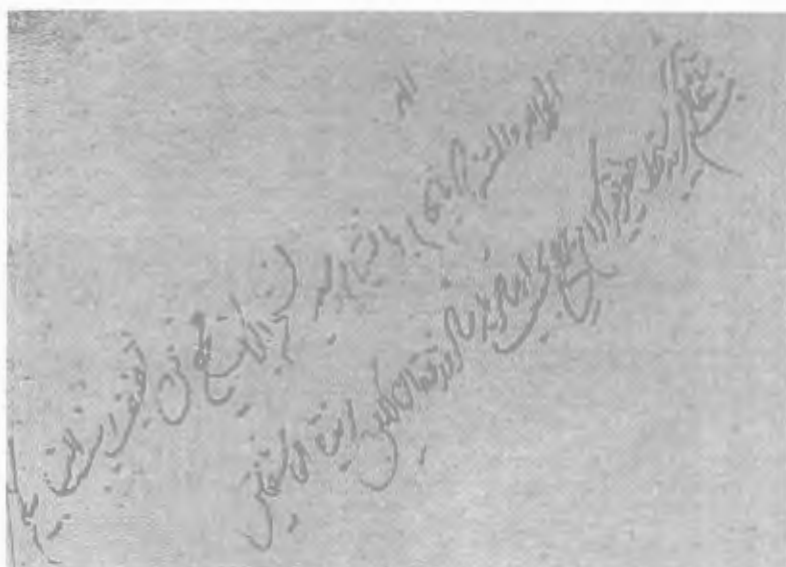
بشکفت تراغیم است تا به لعلم
شده روز و بان تو ز نورغان چرم
مانند خط صفت خفا و نور و شست
نار و ه ساد و غیا لوج و قلم
شمار یکی جهان جلایک نشانم
اسان ندیم گفت خود و من غم را
در راه تو ز تو چون شست نشان
بر سر خار یکی که نهاده بم قدم را

چون از بس حرم راه ندانند
محو است ل نولش کن ابروی چشم را

ایداغ بر دل از غم و دستم را
بر سر میای دید و دستم را
دین تو نور و ظلمت یکدیگر گشت
شمر تو به نهای امید است بیم را
تو کبر و کوه کربت شغیف غلغی
غیر از کرم کشش ناسد کرم را
تا به برف و برفش نهادی و کمد
کفتا عظیم با پیوش عظیم را
شست و شست و کوب و وقت
بیم نمی بینم خود و بیمم را
نومیدیم کن ز شفا و پیوسته
چون مادر است ایم خود و همه قدم را

لی روشنی بر تو نور و شست
بیمم خوش نشانم غم را

چند توان گفت و طریشانی را
بر در کعبه ناکه کی خجل کلبه ای را
شست و شست و کوب و وقت
خوط و خون دل و به شست و کوب
دین یار و نام شست و کوب
حد و حد و کعبه است و کوب
بر سر و جان شفی جهان تو با خجل
بزرگ و کعبه است و کوب
چیز و کعبه است و کوب
شست و شست و کوب
شست و شست و کوب



مشخصات ثبت در کتابخانه:

P.Č. 2816/57 Pers RII 78 بدون عنوان در فهرست [اصلاح شد]

شاعر: قسمت اول: نامشخص.

عنوان کتاب: پندنامه، قسمت اول، کتاب شعر، ۷۴ صفحه شعر مثنوی به وزنهای مختلف (در صفحه آخر، نام کتاب را آورده است)؛ قسمت دوم: مهمات المسلمین.

تاریخ کتابت: نامشخص.

موضوع: بخش اول کتاب، شعر بر وزن مثنوی در بیان فقه، احکام دین، اخلاق و رستگاری است؛ بخش دوم، فقه.

توضیح: کتاب دو بخش دارد، بخش اول ۷۴ صفحه مجموعه‌ی قطعات به شعر در وزنهای مختلف مثنوی درباره اخلاق و رستگاری است؛ بخش دوم در ۲۷۸ صفحه.

در باره‌ی موضوع فقه که از چهار خلیفه اهل سنت روایت شده است.

تعداد صفحات: بخش اول شعر ۷۴ صفحه، بخش دوم ۲۷۸ صفحه.

اندازه صفحات: ۲۵×۵/۱۵ سانتیمتر.

نوع خط: نستعلیق

آغاز کتاب شعر:

نام حق بر زبان همی رانم که بجان و دلش همی خوانم

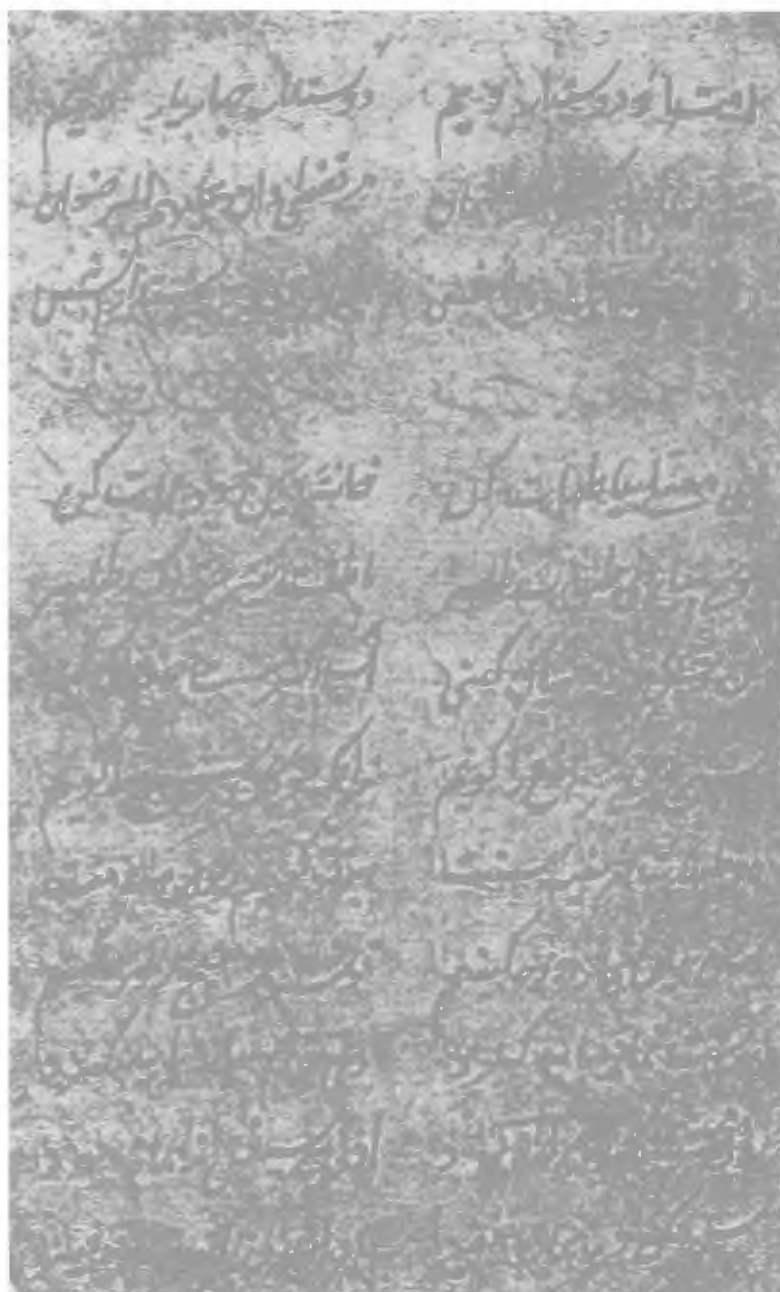
آغاز کتاب مهمات المسلمین: بسم الله الرحمن الرحيم

قال النبی علیه السلام طلب العلم فريضة على كل مسلم ومسلمة...

تصویر: صفحه‌ی اول و صفحه‌ی دوم و صفحه‌ی آخر قسمت اول و آغاز بخش

دوم کتاب.





بنفشه جان بشارت بپسند / و بشارت از خود نمایان او بپسند
 جانب نظام مکن عیسی ای سیزد / و کنی بشارت انان فیض تو نیز
 صحت نظام بشارت بشارت / تا که خای از آرزو نماند خوشبخت
 بیکاد و بیکاد بشارت بپسند / در عین حال حق مجرم بشود
 از حق و جان جان صانع استوی / و در شرفی بشارت طالع استوی
 ای بشارت بشارت بشارت / اعلای کبریا بشارت بشارت
 از بشارت بشارت بشارت / در فلان افق بشارت بشارت
 بشارت بشارت بشارت / از بشارت بشارت بشارت
 بشارت بشارت بشارت / در بشارت بشارت بشارت
 بشارت بشارت بشارت / بشارت بشارت بشارت
 بشارت بشارت بشارت / بشارت بشارت بشارت
 بشارت بشارت بشارت / بشارت بشارت بشارت
 بشارت بشارت بشارت / بشارت بشارت بشارت

[illegible]

P.Č . 1293/60 Hakáje fársi RII 98

مشخصات ثبت در کتابخانه:

نویسنده: عبدالحق بن سیف الدین الترك الدهلوی البخاری
عنوان کتاب: بخش اول رساله‌ی تکمیل الایمان و تقویة الایقان؛ فقط یک صفحه
باقی است.

تاریخ کتابت: نامشخص.

کاتب: نامشخص.

موضوع: بخش اول: بیان عقاید اسلام و قواعد ملت به طریق سنیة اهل سنت
و جماعت؛ بخش دوم: گلستان سعدی.

توضیح: کتاب سالم اما کهنه است، صفحه اول کتاب از کتاب تکمیل الایمان است.
بخش بعدی در احکام دین و بخش آخر، گلستان سعدی است. گلستان سعدی از طرف
چپ نوشته شده است؛ قسمت آخر گلستان ظاهراً موجود نیست.

تعداد صفحات: نامشخص

اندازه صفحات: ۲۳×۱۶/۵

نوع خط: نسخ و نستعلیق

آغاز کتاب اول: بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين، السلام على سيد
المرسلين و امام المتقين و خاتم النبيين محمد و آله و اصحابه و اتباعه اجمعين هدها طريق
الحق و محى علوم الدين. اما بعد مى گوید فقير حقير اضعف عبادله الله القوى البارى
عبدالحق سيف الدين الترك الدهلوى البخارى ...

پایان کتاب اول: ... ختم رساله بر رجاء مغفرت و رحمت آمد. عاقبت بخیر باد بحرمة
النبي الهاشمى الابطحى و اله و اصحابه الامجاد اجمعين برحمتك يا ارحم الراحمين تمام
شد این رساله.

تصویر: صفحه‌ی اول، یک صفحه از وسط و صفحه‌ی آخر.

باید طلبید و الله موفق در جوار رحمت و بی سحاب در دنیا بفری در میدان
 و قول است و استاد ابو القاسم قطر صاحب رساله فرموده است که قول صحیح
 عدم جواز است و این سخن در جوار امکان است ولیکن عدم وقوع آن
 و تحقیق آن مرغبار آن حضرت در شب معراج متفی علیهم است و اجماع محدثین
 و فقهای و مبطلین و مشایخ طریقت است که اولیاً را حاصل نیست و در عرف
 یکتوید هیچ یکی مشایخ را ندیدیم که ادعای آن کرده باشد و هیچ یکی حکایت
 آن بصحت نرسید مگر طایفه مجاهل که این ادعا را نشنیده و مشایخ
 اتفاق دارند بر تفصیل مدعی آن و کذب و بی وفای که ادعای آن علامت عدم
 معرفت حق است و هر کس این دعوی کند تحقیق خدا را نشناخته باشد و شیخ
 علاء الدین قزوینی در شرح تعرف جیکوید که اگر کسی معتقد بوقوع رویت الهی چشم
 تاویلش باید کرد و در کتب مذکور است که معتقد بوقوع رویت الهی چشم
 مرغبار آن حضرت علی الله علیه و سلم غیر مسلم است و او دینی در کتاب

آنها که خواص در که کریم اند و هشت زده گان عالم تسلیم اند
 نوید مشو که رحمت حق عالم است به مغرور مشو که خاصان دریم اند
 و نیز مگویند که در حالت حیات خوف غالب باید و چون وقت
 رحلت در رسد رجائش آید علامت سعادت اینست و در
 تاخیر رجائش اندر مری بدین معنی تواند بود یا اشارت است
 بقلیه خوف بر رجاء علو ان الله لا یزید العقاب و ان الله

غفور رحیم لکه الحمد که ختم رسام

بر رجاء و مغفرت و رحمت آمد

عاقبت بخیر باد بحرمه النبی

العاشمی الابطحی و اله

واصحابه الامجاد اجمعین

بلاحتک یا ارحم الراحمین

تلمذ شد این رسام

مشخصات ثبت در کتابخانه: RIII 26 بدون عنوان P.Č. 2813/57

شاعر: نامشخص

عنوان کتاب: نامشخص

تاریخ کتابت: نامشخص

موضوع: بیان احکام عملی دین به نظم

توضیح: کتاب در حال فرسوده شدن است؛ اما نوشته‌ها باقی است. حاشیه‌های اوراق اول و آخر کتاب از بین رفته و ترمیم شده است.

تعداد صفحات: ۵۰۸

اندازه صفحات: ۱۷/۵×۲۶

نوع خط: نسخ و نستعلیق

آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم

بخدایی که نور ایمان داد
پاک از عیب شرک نقصانست

حمد بیحد ثنای بی‌اعداد
غافر است و رحیم و رحمن است

پایان:

پای تا سر غریق عصیانند
هر کسی را نباشد آگاهی
هم تو آگه نباشی از اینحال

چونکه امت عجب پریشانند
گفت حق احمدا تو میخواهی
من همی خواهم ای شریف جمال
تمت الکتاب بعون الملك الوهاب.
تصویر: صفحه‌ی اول و صفحه‌ی آخر.

مشخصات ثبت در کتابخانه: RIII 25 بدون عنوان P.Č . 2812/57

نویسنده: عبدالله بن محمد بن شاهاور الاسدی الزّازی (در آخر کتاب آمده است)

عنوان کتاب: مرصاد العباد

تاریخ کتابت: دوشنبه اول ماه مبارک رجب ... سال بر شش صد و بیست از هجری
رسول علیه الصلاة والسلام (در صفحات آخر کتاب آمده است)

موضوع: معرفت و تربیت به آداب دین

تعداد صفحات: ۲۵۰

اندازه صفحات: ۱۶×۲۶ سانتیمتر

نوع خط: نستعلیق

توضیح: نوشته‌ها خوب باقی مانده و اوراق سالم است هرچند که کهنه است.

آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين والصلوة على نبيه وحبيبه
محمد وآله اجمعين حمد بيحد و ثنای ببيعد پادشايی را که وجود هر موجود نتیجه [ی]
وجود اوست و هر موجود حمد و ثنای وجود او می‌گوید...

پایان: تمت الكتاب المرصاد العباد بعون الملك المنان فى التاريخ ۱۲۷۳ ثلث
وسبعين [و مأتین] والف من هجرة النبوية المصطفوية صلى الله عليه وسلم على يد العبد
الفقير الحقير الضعيف النحيف عبدالقادر ابن ملا محمد صالح بخارى غفر الله لهما ولجميع
المؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات برحمتك يا ارحم الراحمين تمت تمت.
تصوير: صفحه‌ی اول، صفحه‌ی آخر و پیش از آخر.

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة على نبيه وحبيته محمد وآله
 اجمعين محمد بن محمد و شای بیعد و پادشاهی را که بود در
 نیجه و بود اوست و هر دو بود و شای او بود و میگوید
 و ان من شئ الالهیة بحجده ان خداوندی که از برین طهرت
 و صنیع جلالت بقلم کرم نفوشت نفوس انسا را بر حقیقت
 صفیه هم رقم فرمود و اب قیام معرفت را در طاعت
 صفات خلقت بشریت تعبیه کرد که در فی الفکر او
 قلند و نشان نشسته طلب را میکنند و از بقدم صدق
 راه طهارت صفات بشریت را میگردانند و در
 خضر صفات الهی پیوسته بکار آتش محبت را بر سر خسته
 حیوة معرفت رسانید و من کان متفقا فیها و جعل
 نوراً یبسی به فی الناس و در رویا و آفرینش را در
 مقدرین و اشباح بی دانش حدیست و اندر
 نبوت و صفات نبوت با که سیالان پیاکی حقیقت

اوراق این کتاب
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰
۵۱
۵۲
۵۳
۵۴
۵۵
۵۶
۵۷
۵۸
۵۹
۶۰
۶۱
۶۲
۶۳
۶۴
۶۵
۶۶
۶۷
۶۸
۶۹
۷۰
۷۱
۷۲
۷۳
۷۴
۷۵
۷۶
۷۷
۷۸
۷۹
۸۰
۸۱
۸۲
۸۳
۸۴
۸۵
۸۶
۸۷
۸۸
۸۹
۹۰
۹۱
۹۲
۹۳
۹۴
۹۵
۹۶
۹۷
۹۸
۹۹
۱۰۰

و این کتاب که در این شهر
تجدید کتاب با و از این جنس برای حضرت نوشته ام
همین معنی پسر و از عاطفت پادشاه که محظوظ و رویش را
ببینم از رضا و محظوظ گردانند و بر ذرات قدم محظوظ
و به قوت قدم و محظوظ گردانند و از آنرا از جمله
کلام الشان بطوری و لایبری و انداختیم کتاب بسیار که در این
و دعای منظوم که در باغی یارب تو میرین سایه نیر دانی را بکند
بدرین جهان جهان بینی را اندر کشف عاطفت خویش بدار
این حاجی بقیه مستحسانی را و الحمد لله رب العالمین و صلی الله
علی محمد و آله و اصحابه اجمعین الطیبین الطاهرین عتبت اللک
المرحوم و العباد بیرون الملک الشان فی التاریخ سینه اثلث و بیست
و الف من سيرة النبوة المصطفوية صلی الله علیه و سلم علی العبد
الفقیر الحقیر المذنب الخائف عبد القادر ابن ملا محمد صالح بنی ری
خداوند دعا و جمیع المؤمنین و المؤمنات و المسلمین و المسلمات

بسم الله الرحمن الرحیم

P.Č. 2811/57 RIII 24 بدون عنوان

مشخصات ثبت در کتابخانه:

نویسنده: نامشخص

عنوان کتاب: مفتاح الجنان

تاریخ کتابت: نامشخص

موضوع: در احکام دین و دعاها و اعمال

تعداد صفحات: ۵۵۶

اندازه صفحات: ۱۹×۲۶ سانتیمتر

نوع خط: نستعلیق

توضیح: متن کتاب سالم اما حواشی صفحات فرسوده است؛ برخی صفحات از بین رفته و برخی در حال از بین رفتن است.

آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم

حمد بیحد و ثنای بیعدد مر خالق احد و رازق صمد را که برگزید بشر را از کل مخلوقات ...

پایان: ... اگر نتواند بر سر بانی ایستد و کسی را فرماید بذبح کردن تا ثواب بی شمار بحاصل آید و الله اعلم بالصواب و الیه المرجع و المآب تمت.

تصویر: صفحه‌ی اول و صفحه‌ی آخر.

[illegible]

1782/95 K RIII 37

مشخصات ثبت در کتابخانه:

شاعر: صائب تبریزی

عنوان کتاب: دیوان صائب تبریزی (در دیوان، تخلص گاهی به صورت «صایب»
نوشته شده است)

تاریخ کتابت: نامشخص

موضوع: ادبیات تغزلی منظوم

تعداد صفحات: ۴۴۴

اندازه صفحات: ۱۶×۲۵/۵

نوع خط: نستعلیق

توضیح: اوراق کتاب سالم، اما چند صفحه اول و چند صفحه‌ی آخر در حال فرسوده
شدن است.

آغاز:

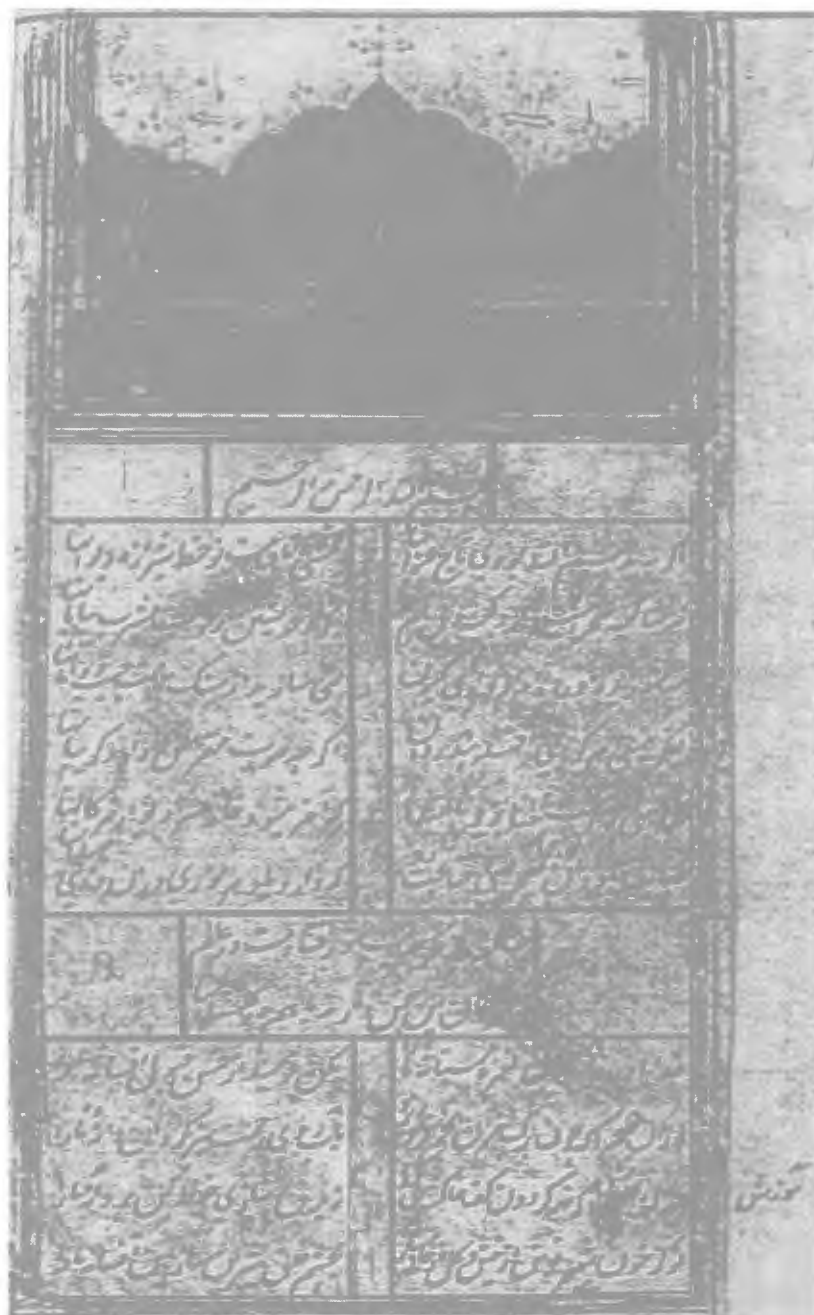
اگر نه مد بسم‌الله بودی تاج عنوانها نگشتی تا قیامت نوخط شیرازه دیوانها
پایان:

چند باشی در کشاکش دامن ساقی بگیر

تا در این عالم از این عالم به آن عالم شوی

تمت الكتاب بعون الملك الوهاب دیوان صائب تبریزی افصح المتکلمین.

تصویر: صفحه‌ی اول و صفحه‌ی آخر.





P.Č. 5682/60 RIII 30 بدون عنوان

مشخصات ثبت در کتابخانه:

شاعر: خسرو (تخلص)

عنوان کتاب: دیوان غزلیات

تاریخ کتابت: نامشخص

موضوع: ادبیات تغزلی منظوم

تعداد صفحات: ۴۱۶

اندازه صفحات: ۱۶/۵×۲۹ سانتیمتر

نوع خط: نستعلیق

توضیح: کتاب در حال فرسوده شدن است.

آغاز:

کرم تست عذرخواه همه

ای به درماندگی پناه همه

پایان:

گویند دوست وعده‌ی شمشیر می‌کند

آن بخت کو که یابم از این سان سعادت

عشق آتش است خسرو اگر سوزدت مرنج

دانی که آتشی نبود بی حرارتی

تصویر: صفحه‌ی اول و صفحه‌ی آخر.

ای بدر ماند بکے چاہ	کرم تست عذر خواہ
قطر زاب رحمت تو بس آ	شستن نامہ سیاہ
کہ انیسین رہ روان مت	شرف تکمہ کلام عم
بہ طغیانی بعد قبولم کن	ای آت من والد عم
زبان رسی بر مرا کہ در تورسم	ای بسوی در توراه عم
کہ نامہ فروغ تیر قیاسی	عفت افزہ تر از گناہ
خبر واذ تو پناہ می جوید	ای پناہ من و پناہ عم

ای بادرت بر فلک ان روی اشک	وی دیدہ کرسو و انیم آبی بزین این خاک
ای دیدہ کرتیج ستم دیزی سخی خون دیم	یجان من بستان ز غم یا دل دو این خاک
دیزی تو خون بار آستان من شیم از اشک	کالودہ دیدن چون توان ای آستان

و این هوس نردم که بر پات میام
مر می تمام کرد این هوسم بر نیم نازی

ای جان جدا گشته که یاد هم نکلی هیچ
زیاد که جانم لب آمد ز جدایی
نی دین این روی که گویم که روزم
یاد که توانی روز کسی را تنهایی
هر شب غم و خاک هر کوی تو تار و ز
ای روز و شب اندر دل خرو و تو بجا

یکه تراب چشمش پیش تو بسیر
من پیش این ندانم در عالم از دست
بجونی شنیده باشی کردت عشق
پیش ای تاب چینی بجا ده ترا از دست

گویند دوت و عده شمشیر میکند
آن بخت که گویم ایام ازین سان دلی
عشق آتش خرو و اگر سوز دت بزم
دانی که آتش بنوا دلی سوار آبی

P.Č. 1420/63 بدون عنوان RIII 32

مشخصات ثبت در کتابخانه:

نویسنده: نامشخص

عنوان کتاب: مجموعه التواریخ (در صفحه هفتم کتاب آمده است)

تاریخ کتابت: نامشخص

موضوع: تاریخ هند

تعداد صفحات: ۶۱۸

اندازه صفحات: ۱۶/۵×۲۸/۵

نوع خط: نستعلیق

توضیح: صفحات کتاب در حال از بین رفتن است؛ حواشی صفحات خورده شده است.

آغاز: حمد بیحد مر خالق را سزااست که به قدرت کامله‌ی بی‌نهایت خویش به ایجاد بنیاد هشتاد و چهار لک نوع ذیحیات و به انواع صنایع بدایع پرداخته است ...
پایان:

فیض‌بخش رای بیضایت چو خور پرنور باد

بارگاه عدل و دادت تا ابد معمور باد

ای فریدون حشمت و رستم دل و جمشید فرّ

تیغ تو بر فرق دشمن ناصر و منصور باد

تصویر: صفحه‌ی اول، صفحه‌ی دوم و صفحه‌ی آخر.

[illegible]

P.Č. 1029/35 RIII 7

مشخصات ثبت در کتابخانه:

شاعر: بیدل

عنوان کتاب: دیوان بی‌دل [به همین صورت نوشته شده است]

تاریخ کتابت: سنه ۱۲۶ (احتمالاً ۱۲۰۶ صحیح است)

موضوع: غزلیات

تعداد صفحات: ۲۷۶

اندازه صفحات: ۱۶×۲۵/۵

نوع خط: نستعلیق

توضیح: کتاب نسبتاً خوب مانده است

آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم

باوج کبریا کز پهلوی عجز است راه آنجا

سر موئی کراینجا خم شوی بشکن کلاه آنجا

پایان:

از واجب و ممکن علما باخبرند

درویش و فضولی بیت الله الله [همین‌طور نوشته شده است]

تصویر: صفحه‌ی اول و صفحه‌ی آخر.

بسم الله الرحمن الرحيم

باوج کبریا که بهلولی عجز است راه آنجا
 او بگاه محبت ناز شوخی بر نگیرد دارد
 بیاد و حفظ نازش سحر خیز است اجزایم
 مقیم دشت الفت باش خواب ناز سلطان
 سعی غیر مشکل بود ز آشوب دوی رستن
 خوشایندم و خاک ز جفت اظهار نه میدی
 ز طرز شرب عشاق سیر میوای کن
 ز بس فیض سحر میجو شد از کمر سوادول
 بکنعان اوس کردی نه دارد به سف مطلب
 خیال جلوه زار غیبتی هم عالمی دارد
 دل از کفتری اطاعت زبست احرام آرد
 زمین کیم با فسون آل بی ده عایدل

که باین چشت دهد کرد چون سلمان ما
 فیضها میجو شد از خاک بهار بخودی
 در تماشایت برنگ شمع بر جا میرودیم
 محو کردیدن علاج اضطراب لنگر و
 از شهادت استغفار ان بساط حیرت
 منزل مقصود کلام اول قدم افتاده است
 و در جام زمین چون چون گل نغیب باشد

تا سحر کشتن گریبان میدرد عیان ما
 صبح روشن است از شکست رنگ در چمنان ما
 دیده ما یک قدم پیش است از زکات ما
 از تخریب سر بر بکوب شد طوفان ما
 زخمها و اما ندان چشم است در میدان ما
 همه اشکای کاش غریزند بود زکات ما
 رنگ ناکردید و آخری شود دوران ما

هشتاد و نه که انقدر بخورند
 بارشری چند بدوش کاغذ
 ای رفته ز دست جوی که ماه نظر
 کاهیه دریش کاو که در دم خور
 چون شانه دریش که خالی تا چند
 چهار و پنج کسی بر سر چار و دیگر
 بیدل تا کی ز چهل پروین لنگر
 گشتی طوفان تا سیر سنگین لنگر
 شد عمر هنوز بر نشان هوسا
 رقص بسمل که دیده با این لنگر
 افسوس جهان پایه ندارد امروز
 جنبه دگر مایه ندارد و امروز
 از بس همه را بسختی هفت ساد است
 دیوار کسی سایه ندارد امروز
 هر چند عیار تا توالم جو نفس
 سرایه این جهان و آلم جو نفس
 بار بد و نیک ز حست دوش من است
 مزدور ستمکش جهانم جو نفس
 بار بار از دست جز ز تو فاش
 و آنکه ناید تو باشم عیون فاش
 ما را بماند منتقل و هم گمن
 ای قوت عیار و همت از دل میرقص
 ای قول آخرین زمان نبوت فاش
 در حلقه و دیکری بجعل میرقص
 یعنی چون شمع اگر ز خوف بجبری
 عمریست که در غصه نیک غرض
 کز ریط کلام کفر و دین در یاسد
 غرض غرض غرض غرض غرض
 افراط حقیقت است اعیان تغویط
 کفتر فی ما حصل ترا مانع نیست
 انشوی در شوق مانده اندیم
 اکثون چکنم اگر خالم بیدل
 بیدل ما را کدام روزیست چه راه
 از واجب ممکن علما با خبرند
 دروشن فضا فی بیت الله آمد
 وقت کتاب بفرست الملک الوهاب
 در روز سلطان محمد و خورشید و خورشید و خورشید
 در سر راه دیوانت میاید

مشخصات ثبت در کتابخانه: P.Č . 1090/35 59 Diván Lutfi RIII 8

شاعر: سلمان ساوجی (احتمالاً)

عنوان کتاب: نامشخص؛ رساله‌ی اوزان شعر و دیوان قصاید.

تاریخ کتابت: سال ندارد، فی سلخ شهر محرم الحرام

نام کاتب: نامشخص

موضوع: قصاید

تعداد صفحات: ۲۴۸، ۱۱۰ صفحه اشعار فارسی، بقیه اشعار ترکی.

توضیح: کتاب سه بخش دارد، ۲۱ صفحه‌ی اول در اوزان شعر است و در آن نام سلمان ساوجی آمده است. صفحات ۲۲ تا ۳۲ سفید است. بخش دوم از صفحه ۳۲ تا ۱۱۱ غزلیات و سپس در شانزده صفحه‌ی آخر، اشعار پنج‌بیتی، ترجیع‌بند، آمده است؛ و بخش آخر دیوان لطفی و اشعار ترکی است.

اندازه صفحات: ۱۵×۲۶/۵ سانتیمتر

نوع خط: نسخ شکسته

آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم

حمد و سپاس بپقیاس مر خدا را که بوحدانیتش همه کاینات شاهد حالند...

آغاز غزلیات:

صبح که صهبای نور شد ز افق موج زن

ساغر زرین گرفت ساقی سیمین بدن

تصویر: صفحه‌ی اول و صفحه‌ی اول اشعار.

اسم اعدا الرحمن رسم

حمد و سپاس مقیاس هر خدا را که بود و نیست هیچ کائنات
 شاهد عالمی که کل شیئی که آنه مثل علی انه واحد و بحیات و صلوات و روح
 طیبه سید که وجودش در دست هر کائنات و شاه بیت قصیده نظم
 موجود است بر این است اصحاب که با وی دین پیش اند اما بعد
 ای قصیده است علی رضایک و بدایع اصول خود و مراجعات و مشهورات
 آنجا که قرین است به هر و صد و بیست و شصت و در زمان سید
 و الهیک بخور از آن معلوم کرد و در آن مندرج است و شمس
 چند صنوع که بمن دولت حضرت رفع و ستاره منبع عظیم اعظم
 سلطان اوزار و العالم اعتبار الدین محمد ضاعف است بعد از انباء
 جامع گیتی برسان سلطانی اربع کرده اگر چه از قصیده مایه

ساعتی که نورش را می‌بینی	ساعتی که نورش را می‌بینی
جلوه‌اش را که در شاه کمالیست	جلوه‌اش را که در شاه کمالیست
در بدل همیشه ام ریخت عقیق	در بدل همیشه ام ریخت عقیق
مدیلمی را در دست کفایم	مدیلمی را در دست کفایم
خبر و روی نمود به در جانشین	خبر و روی نمود به در جانشین
عامه مخفی یافت ظهور وطن	عامه مخفی یافت ظهور وطن
جاد و زر بر تل فرس طلایه درین	جاد و زر بر تل فرس طلایه درین
جدول زین کشید بر دین	جدول زین کشید بر دین
شبه و تقلید کرد در آینه	شبه و تقلید کرد در آینه
بود چشم جهان بودن جان در	بود چشم جهان بودن جان در
مستقل علیش بعد از یک هزار	مستقل علیش بعد از یک هزار
آن بفرج منیر دان عجب محقق	آن بفرج منیر دان عجب محقق
بر سر اعدا افکند جا کنی کو کین	بر سر اعدا افکند جا کنی کو کین
ساعتی که نورش را می‌بینی	ساعتی که نورش را می‌بینی
جلوه‌اش را که در شاه کمالیست	جلوه‌اش را که در شاه کمالیست
در بدل همیشه ام ریخت عقیق	در بدل همیشه ام ریخت عقیق
مدیلمی را در دست کفایم	مدیلمی را در دست کفایم
خبر و روی نمود به در جانشین	خبر و روی نمود به در جانشین
عامه مخفی یافت ظهور وطن	عامه مخفی یافت ظهور وطن
جاد و زر بر تل فرس طلایه درین	جاد و زر بر تل فرس طلایه درین
جدول زین کشید بر دین	جدول زین کشید بر دین
شبه و تقلید کرد در آینه	شبه و تقلید کرد در آینه
بود چشم جهان بودن جان در	بود چشم جهان بودن جان در
مستقل علیش بعد از یک هزار	مستقل علیش بعد از یک هزار
آن بفرج منیر دان عجب محقق	آن بفرج منیر دان عجب محقق
بر سر اعدا افکند جا کنی کو کین	بر سر اعدا افکند جا کنی کو کین

مشخصات ثبت در کتابخانه: P.Č . 1096/35 65 Kullijátí Sábit RIII 11

شاعر: جامی

عنوان کتاب: منظومه‌ی یوسف و زلیخا

موضوع: ادبیات غنایی منظوم

تاریخ کتابت: نامشخص

نام کاتب: نامشخص

تعداد صفحات: ۲۲۶

اندازه صفحات: ۱۷×۲۴/۵

نوع خط: نسخ

توضیح: کناره‌ی صفحات اول و آخر کتاب در حال فرسوده شدن است؛ با این حال، نوشته‌ها خوب مانده است. نه صفحه‌ی اول کتاب اشعار عربی، چهار صفحه‌ی بعد اشعار فارسی و غزلیات است. در عنوان ثبت کتابخانه به اشتباه «کلیات ثابت» نوشته شده است.

یک قطعه شعر فارسی در صفحه دهم:

دلم ز هجر خراسان از آن هراسانست

که بحر فقر و محیط فنا خراسانست

نخست گوهر آن بحر شاه بسطامیست

که قطب زنده‌دلان و خداشناسانست

بکش لباس دعونت که شیخ خرقانی

ستاده خرقه بکف بهر بی‌لباسانست

بگو سپاس مهین عارفی که در مهینه است

که عشق در پی آزار ناسپاسانست

بگوش جان بشنو نکته‌های پیر هرات

که مشکلات طریق از بیانش آسانست

چو کاس خویش شکستی بیا که ساقی جام

نهاد و باد به دست شکسته کاسانست

گدایی درشان پیشه کرده‌ای جامی
بجز تو کیست گدایی که پادشاسانست

آغاز: منظومه یوسف و زلیخا

الهی غنچه امید بگشای
گلی از روضه جاوید بنمای

تصویر: صفحه‌ی اول و صفحه‌ی آخر منظومه.

نه زین خوشکجه دادم دلها ده ز شکر شیرین کلم دلها
 دلخاشه از راه بله مایه در بند لب خنابده از بیم بله در شکر خند
 بزرگش چشم سینه بده روشنه ایفای بستن در منزل غنم بر ناس
 بی در بارگاه آرد بخت خیزد و کم باخت راه محبت
 همیشه نعلای دور عالم نه طبع لبها ساه و دو قسم
 جهانم دل با خندای عافیتی باد کم نای از علفای نخاسی باد
 سخته را از دالم دادم تن من با بر زین زیاده بکشا جلی
 سیه کدیری بکله بونه خامه خویشی مینوی از بیم بر خونه ناله خویشی
 ازین صحرای خوار خامه بی کده وزیر سودا سود نام طس کده
 زیاده را که ستمال خفا می ده
 که هفت از هجده که هر فاشه؟

RIII 1 عنوان ندارد P.Č. 1190/35

مشخصات ثبت در کتابخانه:

شاعر: حکیم ابوالقاسم فردوسی

عنوان کتاب: شاهنامه، (در صفحه‌ی داخل جلد نوشته شده «رستم‌نامه»)

تاریخ کتابت: نامشخص

کاتب: نامشخص

موضوع: ادبیات حماسی

تعداد صفحات: ۷۶۶

اندازه صفحات: ۲۵×۱۲۶/۵ سانتیمتر

نوع خط: نستعلیق

توضیح: اوراق کتاب در حال فرسوده شدن است.

در چهار صفحه مانده به آخر کتاب در میان صفحه، تصویر نقاشی سیاه دو اسب‌سوار در حال جنگیدن ترسیم شده است. دو اسب‌سوار یکی رستم و دیگری اسفندیار است، چون یکی تاج بر سر دارد. رستم ریش دو شاخه دارد و در حال کشیدن تیر از کمان است. تیر و کمان اسفندیار به زمین افتاده است.

آغاز:

کزین برتر اندیشه برنگذرد

بنام خداوند جان و خرد

پایان:

بخواهم کمان و نباید سنان

مبینید جز یال اسب و عنان

تصویر: صفحه‌ی اول و صفحه‌ی آخر.

بسم الله الرحمن الرحیم

نام خداوند جان دوزخ	این بر اندیش بر نگردد	خداوند کون و درون	خداوند ماه و ماهی
خداوند نام و خداوند	خداوند دوزخ و دریا	نام و نشان دکان	خداوند برشته و کبریا
بیت دکان ازین در	بیتی بر جان و دوزخ	نباید بدو نیز اندیش	که اندر تر از نام و اندیشه
نقش از جان کبریا	نباید در راه جان و دوزخ	خداوند بر اندیش	پایان است اندیشه
استون یار دگر است	میان دگر است	خداوند در جهان	در اندیش است که خداوند
چو بند بستی و دوزخ	بهره نداشت کردن	لانا بود هر که دانا بود	ز دانش دل پر پنا بود
این پرده بر روی گاه است			
کون ای نون و نون			
کون تا چه دلی بدارد	که گاهی سبب دوزخ	خداوند بر اندیش	سپیش خرد و اندیشه
خود دانی و خود گشت	خود دست گیر دوزخ	خداوند دوزخ و دوزخ	از دست دوزخ و دوزخ
چو گشت آن خرد و دوزخ	که دانا گفتار او بر دوزخ	کسی که خرد و اندیشه	دلش گردد اندیشه و اندیشه
که برینا دوزخ و دوزخ	پایان دوزخ و دوزخ	خداوند دوزخ و دوزخ	کتابت دوزخ و دوزخ
نقش ازین دوزخ	که جان بخت ازین	بیکان و کوشش	کین است و دوزخ و دوزخ

نام بخت از رستم با نیت / کوه خیز و جبهه اودی نود / هر صبح آینه بر شیب کج کرد / شام به کافور بر لبه جود
 طالع بد و عمر سوم در آفتاب / هر روز به براسبان حسنه / مجرور و سر از سر او حشود / مهان کشتن آن لاله افروز
 پتیر و بر آه زهره کاسه / جهان پر شکر و زلف کز / سنا پیر و کشت از فروغ / لعل و زهره کافور
 انگشتر به صرخه و کز و / مدح کج که کز و خال / کوکبی سپهر از آن دین / چو ماه می به در آیین
 بر آه و در آن جود و ناک / ز چرخش سواران کز و / ز سحر ایام و زمین و آسمان / ز چرخش سواران کز و
 در آن ایام و آه و / ز سحر ایام و زمین و آسمان / ز چرخش سواران کز و / ز سحر ایام و زمین و آسمان
 سحر و آه و زمین و آسمان / ز چرخش سواران کز و / ز سحر ایام و زمین و آسمان / ز چرخش سواران کز و
 ز چرخش سواران کز و / ز سحر ایام و زمین و آسمان / ز چرخش سواران کز و / ز سحر ایام و زمین و آسمان

P.Č . 1194/35 RIII 18 عنوان ندارد

مشخصات ثبت در کتابخانه:

نویسنده: محمد مؤمن حسینی طبیب

عنوان کتاب: تحفة المؤمنین

تاریخ: نامشخص، در صفحه دوم ... شاهنشاه پادشاهان خاقان ابن خاقان بن سلطان خوانین جهان سکندر هشت صاحب قران ... (نام ندارد).

تاریخ کتابت: نامشخص

موضوع: طب سنتی و تجویز داروهای سنتی.

تعداد صفحات: ۸۰۰

توضیح: کتاب فرسوده است و کناره‌های صفحات در حال از بین رفتن است؛ چند صفحه‌ی آخر از بین رفته است.

اندازه صفحات: ۲۹/۵×۲۰/۵

نوع خط: نستعلیق

آغاز: هذا کتاب تحفة بسم الله الرحمن الرحيم المؤمنین و به نستعین

سبحانک اللهم یا قدوس و یا طیب النفوس ...

تصویر: صفحه‌ی اول و یک صفحه‌ی دیگر.

[illegible]

P.Č. 2810/57 RIII 23 بدون عنوان

مشخصات ثبت در کتابخانه:

نویسنده: نامشخص

عنوان کتاب: نامشخص

تاریخ: نامشخص

تاریخ کتابت: نامشخص

موضوع: احکام و آداب دینی بر مذهب اهل سنت و جماعت؛ روایات از پیامبر و اولیا.

توضیح: صفحات کتاب فرسوده شده و کناره‌ها و بخشی از صفحات اول و نیز کناره‌های صفحات آخر از بین رفته است. به علاوه، صفحات اول و صفحات آخر کتاب از بین رفته و موجود نیست.

تعداد صفحات: ۲۷۴

اندازه صفحات: ۱۶/۵×۵

نوع خط: نسخ و نستعلیق

آغاز: صفحه‌ی موجود:

پیغمبران و هر که نماز خفتن ترکه کند بقصد بیزار شود از وی پیغمبران و حق سبحانه و ...

تصویر: صفحه‌ی اول.

پیغمبران و بر کعبه از خفتن سرانگشته و بر او مشهور
 پیغمبران و حقیر بچانه و لغای دای بران گمانند که از آن
 جاهای چگونه باشد غارهای نورانی را میگردانند و بیکدیگر
 گذاردند تا که از جمله منافقان گردند و تنگنایان را منافق
 گویند و اگر کسی بچانه غار بیک بر سران است او بر زبان نیت
 بر او است جواب بگو که اول نیت است و دوم حاجت بیوم نماز
 بیست و چهارم عید بیست و چهارم غار اگر کسی در آن کوفه چند بر فرض
 جواب بگو که دو چیز ضروری است اول نیت کردن در وقت
 بعد از آن مال و زکوة دادن به بیخ فقیران دادن و دوم
 ادائ کردن آن مقدار که فقر عرض شده است اگر کسی چهار فقر
 فقیری آورد و کدام است رسول خدا الله علیه و سلم گفت
 که بیست و چهار فقر است که آدمی را غار و فلاکت و فقری را
 و تنگ و کم روز و بید و بیخ می آید و آن بر من ایوان کردن و
 جذب طعام خوردن و بیست و چهار فقر است و آن چهارم
 بیست و چهار فقر را بگویند بیخ بر بران و بیست و چهار فقر
 بیست و چهار فقر را بگویند بیخ بر بران و بیست و چهار فقر

مشخصات ثبت در کتابخانه:

P.Č. 1192/35 Per 61 Komplettni divan básnika Sajjád vehbi RIII 12

شاعر: نامشخص

عنوان کتاب: نامشخص

تاریخ: نامشخص

تاریخ کتابت: نامشخص

موضوع: اخبار پیامبر و ائمه علیهم السلام و توصیه به انجام طاعات، به صورت شعر.
 توضیح: دیوان شاعری است که در مشخصات ثبت به عنوان دیوان باسنیکا صیّاد
 وهبی معرفی شده است.

تعداد صفحات: ۲۰۸

اندازه صفحات: ۲۰/۵×۲۹/۵

نوع خط: نسخ

آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم

این درج پر از جواهر تحقیقات
 باشد نام مبارکش تاییدات
 پایان، در صفحه آخر موجود:

مردی ز خدا رزق حلالی طلبید

در ساحة خانه گاو غیری را دید

فی الحال گرفت و کشت و صاحب چو شنید

بر شیر خدا نزاع آن هر دو رسید

چون صاحب گاو حکم مولا نشنید

فرمود تویی غلام این مرد سعید

اموال تو چون تو باشد از متروکات

تصویر: صفحه‌ی اول و صفحه‌ی آخر.

عنه
در برقی

این دسج برانچه جواهر تحقیقا
باشد نام مبارکش نمایدات
بچگون چون بودش از ایجاد
بخلق جهان تین هاست
نقرو دجهان ساختش
او یاه و پهر باشد سلطان
الان کما کان کما کان الان
بیجا و جایکت پیدا او نهان
اینست به معرفت ذات صفا

خواهی بدست جهان جهان خط
بشناس او را چنانکه خود وصف نمود
پو یان به معرفتش بود سجود
خود پس نه انان راه که لطفش بود
لطفش راه معرفت چو بی خلق شود
آن راه بهر که بود بهر بی نمود
تا تحت قاطعش بود در عرشا

هشدار که در معرفت شان الیه
باشد هر اوست تصرف کنیا
خود سرنوی راه که پاهست
خود سی که شد از هزار یک نام
بی تدبیر خیال هر شد شان الیه
این باشد این معنی سبحان الله
به شرح بود معرفت از غمتها

بافور ششم هکت یکی از احسان
می دی گوید ویداد خدا را در حق
فرمودن وین بری بود آن کتیا
پیدا چو کرد و بود دان اهل عدا

شد چاره فریادش را بر او دل دوید که چون سیم اخیر
فرمود علی اهل نایه که بگویند که دیت از مردم اول شد چو
بناش کت از دوتم نشان یافت تلمیذ دست مرد اخیر
مرویت بین کلمه را بدینا

جمعی رؤسا و نقشبندان معاً جستند بقتل محمد از شیر خدا
کشد درین قتل خدای از ما قتی که عیاد بدین بنما
در بحال بیرون فلان مولانا ایلی نامود و شد زامتا
زان سخن سلیم کردند و چا

آن علم جیب خود و خبردار خدا
آن علم برین زحصر را بنابر خدا
علم هر فعل معلوم و لا دریات
شاعری قضا و حکم و طیر و موسی
ز هر نفس فی بخوی شده را
حرفی صورت زمین و کلام غنایات
با علم علی است عالم معلولات

روی خطایه علی طایفه
 در ساحه خانه کاظمی را دین
 بی تو خطایه ای که آن هر دو رسید
 بی تو خطایه ای که آن هر دو رسید
 بی تو خطایه ای که آن هر دو رسید
 بی تو خطایه ای که آن هر دو رسید

1/10/11

卷之四

کتابخانه عمومی
کتابخانه عمومی

حضرت مولانا محمد رفیع صاحب

الحمد لله رب العالمين

10

مشخصات ثبت در کتابخانه: P.Č . 2538/53 Golestan - e Sa'di RIII 21

نویسنده/شاعر: مصلح‌الدین سعدی شیرازی

عنوان کتاب: گلستان

تاریخ کتابت: نامشخص

موضوع: نثر ادبی، حکایات و نصایح

تعداد صفحات: ۳۱۰

اندازه صفحات: ۱۸×۲۹/۵ سانتیمتر

نوع خط: نستعلیق

توضیح: کتاب نسبتاً خوب مانده است. در حاشیه‌ی صفحات و نیز در ده صفحه‌ی

آخر کتاب، کتاب بوستان سعدی نوشته شده است.

تصویر: صفحه‌ی اول.



P.Č . 1355/56 Per Háfiz RI 48

مشخصات ثبت در کتابخانه:

شاعر: حافظ

عنوان کتاب: دیوان حافظ

تاریخ کتابت: غره رجب سنه ست و ثلثین و مایه [به همین صورت نوشته شده است]

نام کاتب: نورالحسینی

موضوع: ادبیات عرفانی منظوم، غزلیات، مثنویات، رباعیات

تعداد صفحات: ۳۰۰

اندازه صفحات: ۱۷×۱۱

نوع خط: نستعلیق

توضیح: صفحات کتاب در حال فرسوده شدن است؛ با این حال نوشته‌ها باقی است.

آغاز:

الا یا ایها السَّاقی ادر کاساً و ناولها که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکلها
پایان غزلیات:

غمی نباشد از آن رو که حیّ جاویدان دری نه بندد تا دیگریم نگشاید
پایان رباعیات:

مردی ز کسنده در خیبر پرس اسرار کرم ز خواجه قنبر پرس
گر تشنه فیض رحمتی ای حافظ سرچشمه آن ز خواجه کوثر پرس
تم الكتاب بعون الملك الوهاب على انامل الفقير الى الله نور الحسينى فى غره رجب
سنه ست و ثلثین و مامایه [به همین صورت نوشته شده است].
تصویر: صفحه‌ی اول و صفحه‌ی آخر.



مشخصات ثبت در کتابخانه: RI 12 Divan-i Háfiz [اصلاح شد] P.Č. 1103/35 Pers

شاعر: حافظ

عنوان کتاب: دیوان حافظ

تاریخ کتابت: هفتم شهر محرم سنه ۱۱۹ تم‌تم‌تم [به همین صورت نوشته شده است]

نام کاتب: محمدجواد

موضوع: ادبیات تغزلی عرفانی

تعداد صفحات: ۳۱۲

اندازه صفحات: ۱۹×۱۰/۵ جیبی

نوع خط: نستعلیق

توضیح: در ۳۲ صفحه‌ی آخر کتاب اشعار دیگری نوشته شده است. شبیه کتاب قبلی دیوان حافظ است که نوشته نورالحسینی است. همه‌ی صفحات کتاب فرسوده شده و در حال از بین رفتن است. بخشی از نوشته‌های بسیاری از صفحات و نیز صفحه‌ی اول از بین رفته است. بیشتر صفحات کتاب ترمیم شده است. در سه صفحه‌ی کتاب، تصاویر و نقاشی‌های رنگین به رنگ‌های سرخ، نارنجی، سبز، آبی، بنفش موجود است. یک تصویر از «بارگاه حضرت سلیمان که او بر تخت نشسته»، یک تصویر از «بهرام سوار بر اسب در شکارگاه» و یک تصویر «بزم جمشید در میان صحرا» است.

آغاز: ایانا [به همین صورت نوشته شده] ایها السّاقی ادر کاساً و ناولها

که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکلها

آغاز کتاب در ۳۲ صفحه آخر:

تجلی جلوه از وصف رخت کردم رقمها را

تراشیدم به تیغ کوه تور امشب قلمها را

پایان:

قسام بهشت و دوزخ از عقده کسائی ما را نگذارد که درآییم ریائی

تاکی رود این کرک ربایی بنمائی سرپنجه دشمن افکن ای شیر خدائی

آغاز کتاب ۳۲ صفحه‌ی آخر:

تجلی جلوه از وصف رخت کردم رقمها را

تراشیدم به تیغ کوه تور امشب قلمها را

پایان کتاب ۳۲ صفحه‌ی آخر:

قرۃ‌العین مصطفی تو

عالم السر والخفائی تو

عاجزم رحم کن بعاجزیم

مظهر قدرت خدائی تو

مشخصات ثبت در کتابخانه: RI 24 [اصلاح شد] Pers 1184/35 . P.Č

نویسنده: عبدالغنی حافظ شیروانی (در صفحه‌ی اول)

عنوان کتاب: انوار الرّمْل (عنوان در داخل کتاب صفحه ۲ نوشته شده است. در بالای صفحه اول به طور جداگانه نوشته شده «کتاب زبده الرّمْل» ولی این عنوان اصلی کتاب نیست).

موضوع: علم رمل

تعداد صفحات: ۲۱۶

توضیح: همی صفحات کتاب کاملاً فرسوده است و بیشتر صفحات پاره شده است. کناره‌های همی صفحات خورده شده و از بین رفته، با این حال نوشته‌ها باقی است.

اندازه صفحات: ۲۰×۵/۱۵

نوع خط: نسخ و نستعلیق پست

آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم

شکر سپاس بیحد و قیاس آفریدگارِ اِیرا جل جلاله سزااست که نقطه ضعیف را مبدأ چندین شکل مختلف گردانید...

پایان: صفحات پایان کتاب پاره شده و ظاهراً از بین رفته است. در دو صفحه آخر موجود یک جدول اعداد آورده شده و ظاهراً یک و یا دو واژه‌ی اول برخی سوره‌های کوتاه قرآن نیز در آن درج شده است.

تصویر: صفحات اول، دوم و سوم.



مشخصات ثبت در کتابخانه: RIV 2 Pers Nizámí, Khamsah P.Č . 2808/57

شاعر: نظامی گنجوی

عنوان کتاب: خمسه نظامی: مخزن الاسرار، اسکندرنامه، خسرو و شیرین؛ پنج گنج

تاریخ کتابت: نامشخص

موضوع: ادبیات غنایی منظوم

تعداد صفحات: ۶۳۴ در چهار ستون

اندازه صفحات: ۱۸×۲۲/۵

نوع خط: نستعلیق

توضیح: صفحات اول و برخی صفحات میانی ترمیم شده، اما نوشته‌ها به خوبی

باقی است.

آغاز:

بسم الله الرحمن الرحيم

نام خدائی است برو ختم کن

هست کلید در گنج حکیم

فاتحه فکرت و ختم سخن

پایان:

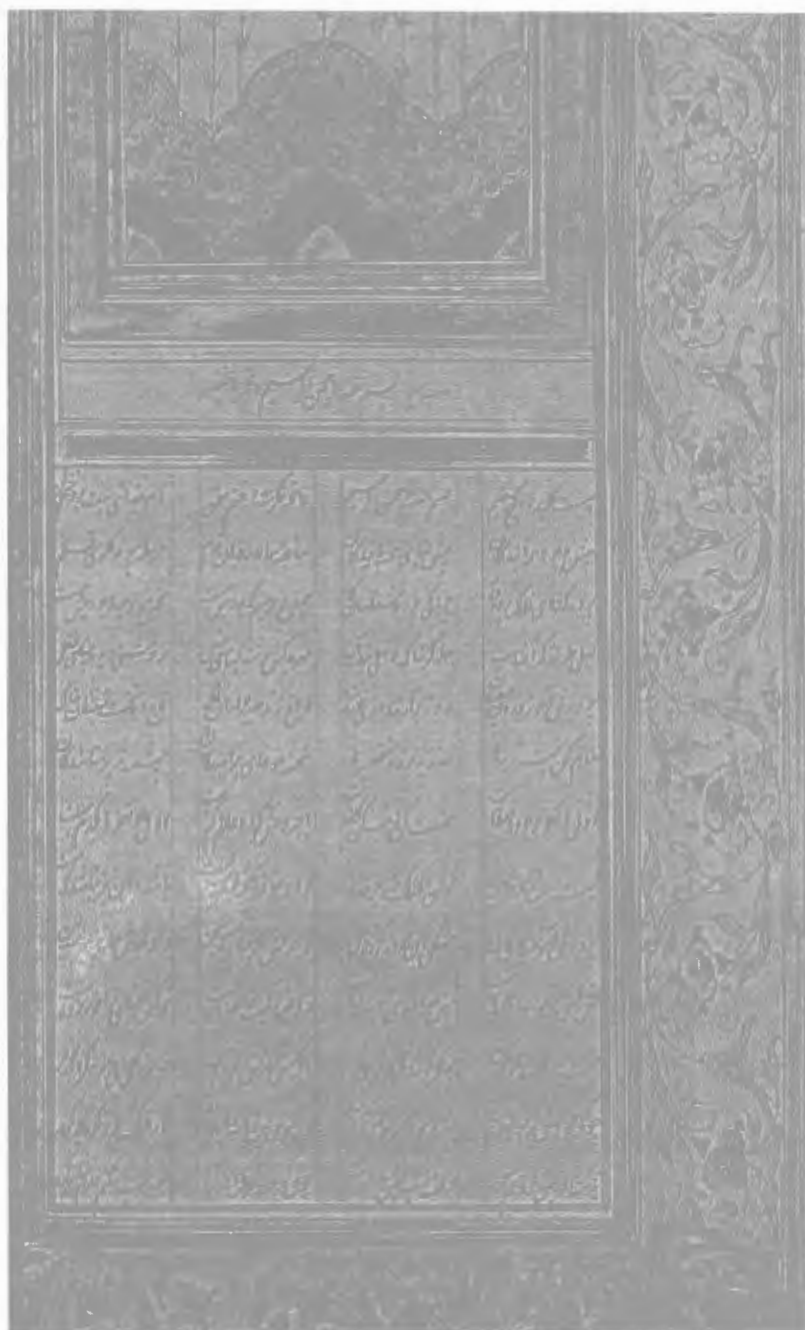
که گوید باد رحمت بر نظامی

بیامرز از گَرم کامرزکاری

روانش باد جفت شادکامی

خدایا هر چه رفت از سهوکاری

تصویر: صفحات اول و آخر.



P.Č . 1193/35 RIH 14

مشخصات ثبت در کتابخانه:

شاعر: نظامی

عنوان کتاب: خمسه نظامی: خسرو و شیرین، لیلی و مجنون؛ پنج گنج

تاریخ کتابت: نامشخص

موضوع: ادبیات غنایی منظوم

تعداد صفحات: ۵۳۶ در چهار ستون

توضیح: کناره‌ی صفحات اول و آخر کتاب ترمیم شده، اما نوشته‌ها به خوبی باقی مانده است.

اندازه صفحات: ۳۷/۵×۵۲

نوع خط: نستعلیق

آغاز:

نظامیرا ره تحقیق بنمای

زبانی کافرینت را سراید

خداوندا در توفیق بگشای

دلی ده کو یقینت را بشاید

پایان:

چنین بودشان گردش ماه و سال

که تعلیم دیواست از آنگونه راز

گرفتندی آن نقش را در خیال

چو دانست فرمان ده چاره‌ساز

تصویر: صفحه‌ی اول و صفحه‌ی آخر.

